

در صفحات دیگر این شماره:

- نگاهی به جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویو نسنها (۲) صفحه ۱۷
- در چین و ویزو نسنی چه میگذرد؟ (۳) صفحه ۱۰
- مصاحبه با رفقا حسین و روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۸) صفحه ۱۵
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یکتا سرباز (۱۰) صفحه ۶
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۸

**وظایف عملی
مادر قبال
آوارگان جنگ**

با او کسری حک ارخانی
ایران و عراق و سنده حیات طوفان
در کردستان جنگ به شهرها، مخصوص
مناطق نزدیک به مرز کدخا به خراسی
و هلاکت عده زیادی از سوده های این
مناطق را در پی داشته، خیلی از
شهرها از جمله آواز، آبسان دان
خرمشهر و... عمدتاً از جمعیت خالی
شده و مردمی دفاع این شهرها که
از آثار مخرب جنگ سسوده آسوده
بودند محصور به کوچ به شهرهای
این سرزمین سراز، محسولمان
را میفرستد... کردیدند.
بقیه در صفحه ۱۳

**پرسشنامه
مبارزات
کارگری**

صفحه ۳

**در کرم کرم جنگ غیر عادلانه کنونی
رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر
دلیر را در خوزستان تیرباران کرد**

★ پیکارگر شهید مجید اشرفی، نفکر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر
اعداد هواداران پیکار
صفحه ۷



سرمقاله

آزادی گروگانها:

**آغاز ماه غسل
روابط ایران و آمریکا**

روز سیزدهم آبان سالروز
واقعۀ سفارت است. درست یکسال
از این واقعه میگذرد، واقعه ای که
طی آن ۵۲ جاسوس آمریکائی به
کروگان گرفته شدند. ورژیم
جمهوری اسلامی و سوزۀ جناح خرد
بورژوازی آن کوشیدند تا در سایه
این اقدام مباحثات مدامیریالسنی
برسوخم سوده ها که در آن زمان به
سرعت رسیده اقول بودیا فزاید.
و از این طریق بایدهای تسدیر
خود را هر چه بیشتر تثبیت نماید.
واقعۀ سفارت که خود بیا نکر
تضادهای درونی دوجناح از هیات
حاکمه اریکسونفا دین خرد
بورژوازی هیات حاکمه (جه در
درون حزب وجه خارج از آن) بیا
امیریالسنم آمریکا
بقیه در صفحه ۲



**گرامی باد
یاد پیشمرکه
شهید
رفیق تیمور
حسینیانی**
صفحه ۵

**۱۳ آبان، روز نبرد خونین
دانش آموزان انقلابی
بامزدوران رژیم شاه
گرامی باد**
صفحه ۲۲

جریانهای جنگ

پیکار

جنگ و خیانت رویو نسنها

چکشیان اوانک
ایران و عراق
سودنی پرنده

کونناچان
در جنبش رژیم
جمهوری اسلامی

گونه های مختلف جنگ
دستگیری هواداران سازمان
مرکز امیریالسنم آمریکا، دشمن اصلی خفتهای ایران

مرگ بر امیریالسنم آمریکا، دشمن اصلی خفتهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

بود، بهمانا به تندبچی بود که نه تنها توده ها بلکه بسیاری از نیروهای کمونیستی را نیز غافلگیر کرد و آنها را به انحراف کامل از ما رکیسم و سلفزنی از آن دجا رنمود، که ما در شمار پیش از آن سخن گفتیم، اما گذشت زمان واقداً مسات و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی، بتدریج و تا حد زیادی چهره دروغین مبارزه فدا مبریا لیستی او را روشن ساخته و برای بخشهای وسیعتری از توده ها معلوم گردید، که رژیم حا که کم در برابر منافع آنها ایستادگی نموده خواهستهای آنها را با سرکوب و گلوله پاسخ میدهد، نه میخواهد و نه میخواهد فدا مبریا لیست باشد.

جنگ ایران و عراق، عامل جدیدی بود که رژیم جمهوری اسلامی توانست در سایه آن یکبار دیگر به توهمن توده ها را من بردن و انگونه وانمود نماید که این جنگ را امیریا لیسم آمریکا توسط عراق و با هدف سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیده است، بوقهای تبلیغاتی رژیم بکار افتادند و روز و شب توده ها را به "دفاع از میهن" و "شهادت در راه اسلام" فراخواندند و تنور جنگ نا عا دلانه ای را که گشت دم توپ آن تنها زحمت کشان د و کشور ایران و عراق بودند را غترو دا غتر کردند، این جنگ نیز همانند واقعه سفارت نه تنها توده های وسیعی از مردم را دجا رتوهم نمود و آنان را از موضع شرافتمندانه ای به دفاع از میهن وادار ساخت، بلکه بخش نا بیگیر جنبش کمونیستی ما را نیز غافلگیر و دچار انحراف جدی نمود، این تندبچی دوم در طول یک سال اخیر نه تنها خیانت رویونیستها را بیش از گذشته افشا کرد، بلکه خط فاصل میان نیروهای پیگیر و نا پیگیر جنبش کمونیستی را بیش از هر زمان دیگری پررنگ و آشکار ساخت، اما اگر از واقعه سفارت تا شروع جنگ ایران و عراق نزدیک به یک سال وقت لازم بود تا توده های وسیعتری پی به ما هیت "فدا مبریا لیستی" رژیم جمهوری اسلامی ببرند، اینبار از شروع جنگ ایران و عراق بیش از هفت هفته گذشته است که اسطوره "فدا مبریا لیست بودن" رژیم سرعت در حال فرو ریختن است و هر روز که میگذرد، پرده ها بالا میروند و چهره واقعی این رژیم فسد خلقی و پاسدار سرمایه برای بخشهای وسیعی از مردم روشن میشود و این نیست مگر نتیجه حدت با بی مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا و جنبش توده ای، بروندی که ویژگی دوران کنونیست جامعه ما است.

شروع جنگ ایران و عراق از یکسوز مینه مناسی بود که بنی مدرولیمرا آنها و بخش کمبرانور که بویژه در ارتش دارای قدرت و نفوذ هستند، در مقابله با حریف خود، حزب جمهوری موقعیت مناسبتی پیدا کرده و با بدست گرفتن مقام ریاست شورای عالی دفاع توسط بنی مدرولیم

توجه به نقش و اهمیت که ارتش در شرایط جنگ فعلی دارد، برنا مه و سناستهای خود و از جمله بهیود و گسترش روابط ایران و آمریکا را به پیش ببرند، از سوی دیگر عوامی چون برتری نظامی عراق و پیشروی ارتش آن در مناطقی از ایران و وابستگی اقتصادی و بویژه نظامی ایران به آمریکا و در همین رابطه کمبود تجهیزات و وسایل بدکی نظامی و مهمات و مهمتر از همه عدم پشتیبانی مردم و بخصوص اهالی مناطق جنگ زده از این جنگ ارتجاعی و غیر عا دلانه و چشم انداز بحران سیاسی - اقتصادی ناشی از این جنگ که تما ما در رابطه با ما هیت فدخلقی هیت حاکمه قرار دارند موجب میشود که علاوه بر لیمبرا لیمبرا و کمبرادورها، جناح بورژواشی حزب جمهوری و حتی برخی از نمایندگان غیر وابسته به این حزب (نظیر خلخال) نیز روی سرعت بخشیدن به بهیود و گسترش روابط ایران و آمریکا تکیه کنند.

در این میان، آزادی گروگانهای آمریکایی برخلاف آنچه که رژیم ادعا می کند، رادارد، نه نقطه پایان، بلکه نقطه آغاز برای روابط و بهمانا به چراغ سبزی است که ایران بعنوان "حسن نیت" از خود نشان میدهد، علائم این حسن نیت از مدت ها پیش و بخصوص در سفر نخست وزیر مکتبی و حزبی به ما زمان "دول متحد" کاملاً آشکار بود، رجاشی نخست وزیر حزبی که تا همین چندی پیش (و امروز هم) از جناحیات امیریا لیسم آمریکا دا دسخت میداد و گروگانها را جاسوس و قاتل محاکمه میداد، در سفر اخیرش به آمریکا و در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت که آمریکا (یعنی همان شیطان بزرگ) قدم در راه تکامل معنوی گذاشته و آنچه را که آمریکا با بدد قبل آزادی گروگانها متعهد شود عملاً پذیرفته و تنها کافی است که بروی کاغذ آورده شود!

خلخال این نماینده ما نفوذ مجلس شورا نیز قبل از تصمیم گیری نهائی مجلس درباره آزادی گروگانها، در مصاحبه خود با خبرنگاری سوادا ظاهر میدارد:

"علاوه بر ماینه رهاشی که در اطراف بنی صدر رئیس جمهور ایران هستند نمایندگان دیگری هم خواستار آزادی گروگانها قبل از انتخابات هستند... این اقدام نمایندگان بها طرکمک به پیروزی کا رتر در انتخابات نیست، بلکه بها طرایب است که ایران هم اکنون در نظر دارد، بیشترین سود را از میادله گروگانها ببرد" (کیهان ۱۲ آبان ۵۹)

خلخال با لافا مله نه تنها مفهوم بهیود و گسترش روابط با ما دگی و راحت تما مضمون اصلی شرایط اضافه بر ۴ شرط قبلی را برای آزادی گروگانها بیان میکند، و در دنباله سخنان قبلی خود میگوید:

"یک شرط به چهار شرط قبلی برای آزادی

گروگانها افزوده شده و آن ارسال سلاحها و لوازم بدکی است که ایران قبلاً از آمریکا خریداری کرده و دریافت نداشت بود" (همانجا)

خلخال با اغافه میکند:

"نظریه اینکه شوروی به عراق کمک میکند آمریکا هم با بدیه ما اسلحه بدهد... جنگ با عراق طولانی میشود و اگر آمریکا به ما سلاحهای که خریداری کرده بودیم بدهد تعداد زیادی از مردمان خود را از دست میدهند" (همانجا).

روشن است که موضع رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا را بیش از حد خوشحال میکند و کارتر هم قبلاً موافقت آمریکا را با این مساله در مبارزه تلویزیونی انتخاباتی خود اعلام داشته بود:

"بمحض آزادی گروگانها آمریکا لوازم نظامی که ایران قبلاً سفارش داده بود به این کشور ارسال میدارد" (همانجا)

ضمناً آمریکا با در نظر گرفتن جوانب دیپلماتی این مساله را به ما سوسال امیریا لیسم روس و جنگ کنونی ایران و عراق و در واقع برای مشروع و قانونی جلوه دادن ارسال اسلحه به ایران از زبان سخنگوی وزارت خارجه اش اعلام میکند که:

"احتمال ارسال اسلحه و لوازم بدکی به ایران "بیطرفی" آمریکا را در جنگ ایران و عراق تغییر نمیدهد" (همانجا)

در اینجا این نکته را نیز با بدافه کرده اند که انتخابات آمریکا اگرچه در تریسج آزادی گروگانها و بهیود و گسترش روابط ایران و آمریکا موثر بوده ولی این بهیود و به معنی تعیین کنندگی آن نبوده و رژیم جمهوری اسلامی با توجه به ما هیتش چاره ای جز حرکت با بن سمت نداشت و قبل از آنکه برای رژیم جمهوری اسلامی انتخابات کا رتر یا ریگان مطرح باشد (که این البته به معنی ندیده گرفتن جنبه ترجیحی انتخاب کا رتر برای رژیم جمهوری اسلامی نیست) مسئله روابط سیاسی و اقتصادی اجتنابنا پذیر رژیم حافظ سرمایه داری وابسته ایران با امیریا لیسم آمریکا است.

با بن ترتیب، آزادی گروگانها، که همه چیز بر قطعیت آن دلالت دارد، اگرچه نقطه پایانی است بر یک دوره بحرانی از روابط ایران و آمریکا، ولی نقطه آغازی است برای یک دوره "شکوفائی" روابط ایران و آمریکا، دوره ای که بنا بر رژیم جمهوری اسلامی ایران با بدیدان با می گذاشت و در آن زندگی و تغذیه میکرد.

اما اگر آغاذ دوره شکوفائی روابط ایران و آمریکا به معنی تشدید وابستگی به امیریا لیسم آمریکا و تشدید فقر و ستم توده هاست، پس باید آنرا همچنین نقطه آغاز جدیدی در فرو ریختن هر چه بیشتر توهمن توده ها، تشدید مبارزه طبقاتی و رشد و اعتلا بیشتر جنبش دموکراتیک و ضد

بقیه در صفحه ۲۰

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



عدم استقبال کارگران علاءالدین از رفتن به جبهه

روزشنبه ۱۲ آبان، از طرف شورای کارخانه اطلاعاتی برخوردیوارچسب نده میشود مبنی بر اینکه هرکسی که مایل به رفتن به جبهه جنگ است برای اسم نویسی به دفترشورا مراجعه نماید. اما کارگران عمدتاً از این دعوت استقبال نمیکنند و از شبقت شب فقط یک نفر و از شبقت روز هم تعدادی معدودی نام نویسی میکنند. کارگران اغلب رژیم را مسئول پیروی نیروهای عراقی میدانند و میگویند: "چرا ما باید به جنگ برویم اما سرمایه داران کارخانه ها و مملکت و بهشتی و رفسنجانی راحت بگردند. کارگران همچنین از گرانی سرسام آورانه و از جنگ چند برابر شده است، شدیداً ناراحت و عصبانی هستند. آنها میگویند: "با زاریها که از این جنگ با گران کردن اجناس سود میبرند، چرا به جبهه نمیروند؟" علیرغم تبلیغات فراوان رژیم و علیرغم تمامی عوام فریبیها پیش درمورد جنگ، کارگران که فشارات جنگ، همچون گرانی را بیش از همه بردوش میکشند، ناراضا و پشیمان از رژیم روز بروز بیشتر میشود.

پرسشنامه مبارزات کارگری

کارگران گسترش دهیم، از اینرو بخورد و مدام، روزمره و در عین حال دقیق رفقا در جمع بندی و ارسال تجارب و گزارشات مبارزات کارگران میتوانیم رادرا رسیدن به اهدافمان یاری رسانند.

تهیه این پرسشنامه در خدمت جهت دادن به فعالیت رفقا در کارخانه ها و کمک نمودن به چگونگی جمع بندی رفقا از مبارزات کارگری قرار دارد. ما انتظار داریم رفقا با برخورد فعال نسبت به آن در غنا بخشیدن به فعالیت "نشریه پیکار" کوشش نمایند!

۱- تحلیل زمینه های حرکت اعتراضی (هم از نظراً اقتصادی و هم از نظر سیاسی)

۲- شروع مبارزه (با ذکر تاریخ دقیق):

۱- مبارزه چگونه آغاز شد؟

۲- در موقع شروع مبارزه آیا تمام کارگران با هم در مبارزه شرکت کردند؟ اگر نه در ابتدا چه درصدی از کارگران مبارزه را شروع کردند؟

۳- عکس العمل کارگرانی که در ابتدا در مبارزه شرکت نکردند در قبال بقیه چه بود؟

۴- کارگران مبارز چگونه و به چه وسایلی بقیه کارگران را به مبارزه کشیدند؟ شیوه ها و وسایلی که مورد استفاده کارگران برای عمومیت بخشیدن به مبارزه قرار گرفت چه بود؟ (تبلیغ شفاهی، دعوت از کلیه کارگران و ایراد سخنرانی، بخش اعلامیه و تراکت در سطح وسیع، راه انداختن تظاهرات و راهپیمایی در قسمتها، تهدید و آراپ و ...)

۵- شکل حرکت اعتراضی: اعتصاب، کم کاری، تحمیل، عریضه نویسی، گروگان گیری، اشغال کارخانه و ...

۶- شکل عمومی حرکت اعتراضی در این کارخانه چگونه بوده است و اگر در مقامی تغییر ریخته داده است به چه علت بوده؟

۷- روحیه کارمیر حرکت کارگران چه بود؟ تهاجمی و در عین حال منضبط یا تا ریشتی و یا آرام و ...

۸- خواسته های اساسی کارگران:

۱- خواسته های اقتصادی: افزایش دستمزد، تقلیل ساعت کار، بهبود شرایط کار، لغو شیکار، لغو

رفقا! در رابطه با تمحیص خط مشی، مضمون و شکل "پیکار" که ما از شماره ۷۲ به این طرف، کوشیدیم فعلاً نه در جهت آن اقدام نمائیم و نشریه را بیک ارگان سیاسی - تبلیغی توده ای تبدیل نموده و بنویز نقش جنبش کارگری را در آن برجسته نمائیم. اکنون قصد داریم بصورت مرتب، صفحاتی از نشریه را (با توجه به مجموعه محدودیتها و امکانات) به درسها و از جنبش کارگری اختصاص دهیم. بی شک بدون رابطه فعال کلیه رفقای بخش کارگری سازمان، امکان برخورد به مسائل کارگری از طرف هیئت تحریریه، محدود میشود ما ضمن آنکه از طریق تشکیلات، ارتباط ارگانیک با بخشهای کارگری سازمان را در نظر داریم، در عین حال میکوشیم از طریق خود نشریه نیز ارتباط لازم را با رفقای هوادار که قادر به ارتباط تشکیلاتی هستند را بوجود آوریم.

از اینرو پرسشنامه ای را تهیه کرده ایم که بوسیله پاسخ به سئوالات آن بتوان گزارشات و تجارب مبارزات کارگری را بصورت کامل روشن دقیق و همه جانبه تهیه و جمع بندی نمائیم. از این پس، رفقا، باید بکوشند در برخورد به مبارزات کارگران نکات مطروحه در پرسشنامه را مورد نظر داشته باشند و برای آن گزارشات و تجارب مبارزات کارگران را برای ما ارسال نمایند. تا ما بوسیله آن بتوانیم:

اولا - در عرصه مبارزات کارگران در هدایت و ارتقاء مبارزات، جمع بندی علل شکست و پیروزی آن و منعکس نمودن آن برای کارگران فعالان تریکوشیم.

ثانیا - بدین ترتیب بتوانیم بصورت عینی تر در جریان مبارزات کارگری قرار گیریم و تا کنون که تحلیلهای خود را از جنبش کارگری بر اساس شناخت همه جانبه و گسترده تر از وضعیت موجود جنبش کارگری بنا کنیم.

ثالثا - بتوانیم بصورت فعال مبارزه ایدئولوژیک با جریانهای رویزیونیستی و انحرافی را در عرصه مبارزات روزمره طبقه کارگر نیز به پیش ببریم. و بدین ترتیب محدوده مبارزه ایدئولوژیک را به مقیاس وسیعتری در میان

ساعات کار شب در شرایط جنگی و ...

۴- خواسته های سیاسی: از بین بردن نیروی ویژه، ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به کارخانه جلوگیری از اخراج کارگران مبارز، برانداختن محیط غفغان در کارخانه، آزادی کارگران دستگیر شده و ...

۵- این خواسته ها (اقتصادی و سیاسی) تا چه حد مناسب انتخاب شده بودند (با تحلیل مشخص از شرایط مشخص).

۵- تشکیل کارگران برای پیشبرد مبارزه:

۱- آیا برای پیشبرد مبارزه، کارگران تشکیل داشتند؟

۲- اگر تشکیلی موجود بود این تشکیلات چگونه بود؟ مدتها و پروسه ایجاد آن چه بوده است و (چگونگی ماهیت آن؟ لیبرالی، رادیکال یا ...)

۳- نقش تشکیلات در پیشبرد مبارزه چه بوده است؟ اگر تشکیلات در جریان همین مبارزه بوجود آمده است در چه مقطعی از مبارزه وجود آن حس شد و ایجاد گردید؟

۵- نقش "عناصر آگاه" در وجود آوردن تشکیلات چه بوده است؟

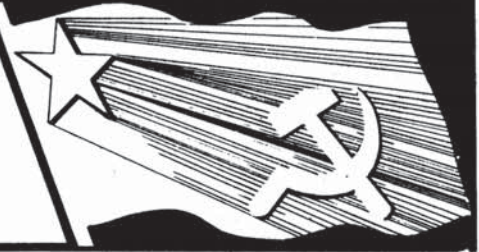
۶- آیا ضرورت وجود آوردن تشکیلات عمومی نظیر اتحادیه های سرتاسری و ... در جریان مبارزه مطرح شد؟

۷- تشکیلات عمومی نظیر اتحادیه ها چه نقش احتمالی ای در پیشبرد مبارزه داشتند؟

بقیه در صفحه ۱۹

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۳)

اصل دوم: درک نیازهای توده‌ها (اساسی‌ترین مسئله توده‌ها چیست؟)

کمیته دوسویا لایحه‌های اساسی انسان برآورده می‌شود، ما در کنار مسائل روزمره برای استقرار سوسیالیسم که منافع اساسی آنها را برآورده می‌کند، با یستی مسائل ریز و درشت توده‌ها را در نظر بگیریم. اگر ما رزات توده‌ها اقتصادی است، با یستی درجهت پاسخ به آن برآورد، در عین حال که همواره با یستی به نیازهای مردم توده‌ها در زمینه مسائل سیاسی پاسخ گفت. تبلیغ با یستی بگونه‌ای عمل کند که توده‌ها همواره به پاسخ روشن و صریح ما در مورد همه نیازهایشان روی بیاورند، آنها با یستی بدانند که ما نشان می‌دهیم، مسائل ما نیز هست و می‌توانیم به آنها پاسخ دهیم.

پیش از این گفتیم که انقلاب تنها کار توده‌ها است، اما برای یک انقلاب بی‌روز متدبایند توده‌ها را آماده نمود و تبلیغ ابزار برای رهبری مبارزه طبقه کارگر است. در شماره پیش گفتیم با یستی توده‌ها را درست داشت و ارتباط تبلیغ با احساسات توده‌ها را توضیح دادیم. در این شماره تا به دو تبلیغ را بررسی می‌کنیم.

همیشه گفته‌ایم که با یستی در مبارزات توده‌ها شرکت جست، آنرا رهبری کرد و ارتقاء داد اما این شرکت در مبارزات توده‌ها حول جنبه‌ها مسائلی باید باشد؟

کمونیست‌ها با یستی همواره نیازمند به یستی توده‌ها را در مبارزات در جهت رفع این نیازمندی‌ها بگویند. با یستی در عمل به توده‌ها نشان داد که مبارزه ما بخاطر آنهاست و در جهت حل مشکلات آنها، فعالیت می‌کنیم. آنها با یستی بتدریج در مبارزات ما متشکل و روشنگر نیستیم که بگویند "خیالات عجیب و غریب" در سرداریم. بدین ترتیب آنها با یستی در تمامی اطراف خود ما را حس کنند و در تمامی دشواریها ما را همراه خود ببینند. توده‌ها با یستی به ما اعتماد کنند تا حتی در راه رهنمودهای ما، که در دست می‌دهیم و در جهت منافع خویش احساس می‌کنند، جان نیز بیاورند. تبلیغ موظف است همواره ما را به توده‌ها را در نظر داشته و نیازهای آنها حرکت کند، رفیق ما شود این باره می‌گوید:

"بخاطر برقراری پیوند با توده‌ها باید در جهت نیازمند به یستی و آرزوهای آنها عمل کرد هر کاری که برای توده‌ها انجام می‌شود، باید از نیازمند به یستی آنها سرچشمه بگیرد، نه از تمایلات یک فرد، و لولاً اینکه این تمایلات خیرخواهانه باشد." (۱)

طبیعی است که نیازهای اساسی و اصلی توده‌ها توسط "سوسیالیسم" برآورده می‌شود، اما ما باید است اگر به نیازهای روزمره توده‌ها توجه نکنیم و در مدخل آنها نگوئیم، به این دلیل

(۱) - ما شویبه و احداث را مورفونگی.

نیازهای توده‌ها، تنها نیازهای اقتصادی نیست. در مقابل هر تحولی که در جامعه ایجاد می‌شود، توده‌ها ما را به یستی بیدار کنند، این تغییر چه تا ثیری در زندگی آنان بجای می‌گذارد و با یستی در جهت چه واکنشی نسبت به این تغییرات تحول داشته باشند. لنین بدستی تاکید می‌کند که بدون یک تبلیغ کمونیستی حول پاسخ صحیح به مسائل توده‌ها (اقتصادی، سیاسی، نظامی) نمی‌توان کارگران را بسوی کمونیسم کشید. لنین برای آموزش کارگران راه دیگری نمی‌شناخت مگر پاسخ به همان مسائل جاری توده‌ها: "برای اینکه کارگران دوسویا لایحه‌ها را بفهمند، باید طبیعت اقتصادی و سیاسی مالک و کشیش، اعیان و دهقان، دانشجویان و کثرت را روشن در نظر خود محسوس کند... بتوانند تمیز دهند که کدام یک از موسسات و قوانین فلان با بهمان منافع را منعکس می‌کند و فلان با چگونه منعکس می‌کند، ولی این تصور روشن را از هیچ کنایه‌ای نمی‌شود بدست آورد، اینرا فقط ما طرز زندگی و افق‌های بدون قوت و آنجیزها می‌توانند بدست دهند که در لحظه کنونی در برابر ما قرار می‌دهد و در آن همه و هر کسی بنا به سلیقه خود صحبت کند و بگوید اینک فلانجا می‌کند و در فلان و فلان واقعاً فلان بیکره و فلان و فلان حکم دادگاه و غیره و غیره. منتظر هر گشته است، این افکار به یستی جانب‌سازانی شرط ضروری و اصلی پرورش روح فعالیت انقلابی توده می‌باشد" (۲) (تا که از ما است)

تبلیغ با یستی بگونه‌ای عمل کند که توده‌ها همواره به پاسخ روشن و صریح ما در مورد همه نیازهایشان روی بیاورند، آنها با یستی بدانند که ما نشان می‌دهیم، مسائل ما نیز هست و می‌توانیم به آنها پاسخ دهیم.

توجه به نیازهای توده‌ها از جنبه‌ها حائز اهمیت است. الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیست‌ها با مبارزات توده‌ها، ب - از جنبه آموزش توده‌ها

توده‌ها فوراً و در ابتدا، با نوسمندی‌های استعمار را معطوفاتی را درک نمی‌کنند و ضرورت سرنگونی آن را در نمی‌یابند، کار بر حوصله کمونیست‌ها در این میان ضرورت دارد. کمونیست‌ها با یستی از همان مسائل روزمره توده‌ها از پاسخ به همان نیازهای جاری توده‌ها این ضرورت را به توده‌ها نشان دهند توده‌ها، روشنگر نیستند که از خلال مطالعه قوانین و به یستی جهان، پی به آن ببرند. با یستی توده‌ها را در جریان همان مبارزه طبقه‌ای روزمره آموزش داد و حول همان مسائل مشخص تبلیغ و ترویج کرد. باید از مسائل خاص، برای آموزش توده‌ها استفاده کرد تا معرفت عام به یستی بدست لنین:

بقیه در صفحه ۱۶

(۲) و (۳) - لنین چه باید کرد.

ما رکیسم - لنینیسم معتقد است که بر آوردن نیازهای تاریخی توده‌ها (سوسیالیسم) بدون بر آوردن نیازهای روزمره آنان امکان پذیر نیست. کمونیست‌ها برای اینکه بتوانند رهبری مبارزه طبقه‌ای توده‌ها را درست داشته باشند، باید در مبارزات هر چند کوچک آنان شرکت کنند. در غیر این صورت توده‌ها در نبردهای با کمونیست‌ها همراه نخواهند بود. باید توده‌ها را در ضمن مبارزه برای نیازهایشان یعنی هنگام پاسخ دادن به مسائل اقتصادی - سیاسی شان پرورش داد.

توجه به نیازهای توده‌ها از دو جنبه حائز اهمیت است.

الف - از جنبه کسب اعتماد توده‌ها، نشان دادن پیوستگی مبارزات کمونیست‌ها با مبارزات توده‌ها، ب - از جنبه آموزش توده‌ها.

رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد، سربازان حرفه ای اجیر می کند

آکشی ز سر در اطلاعات پنجشنبه هفتم آبان ۵۹ به
چاپ رسیده است:

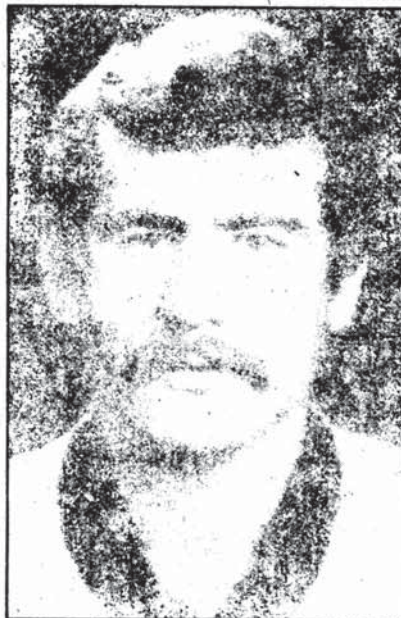
"استخدام سربازان فرار دادی

سنا دمشرک ارتش جمهوری اسلامی ایران
دیروز اعلام کرد: لشکر ۲۸ سنج برای
تکمیل کار در سربازی به ۱۲۹۱ نفر سرباز
احتیاج دارد. کسانی که به استخدام قرار
داده برای مدت یکسال در این لشکر
تعمیل دارند میتوانند...

سازای به توضیح اضافی نیست رژیم در گرما -
کرم جنگ ارتجاعی و تحمیلی بین ایران و عراق
- راداه سرکوب وحشی به خلق کرد و نتوانستی
مردوران سرکوبگرش و نیز خا ضرر شدن سربازان
برای اعزام به کوردها و کشتار خلق کرد،
مجبور به استخدام سرباز مزدور گشته است. رژیم -
های ارتجاعی از تجربیات امیراللیستها
برای ادامه حکومت و سرکوب زحمتکشان بهره
برده و خواهند برد. رژیم جمهوری اسلامی از
اعزام مزدوران "لژیون خارجی" امیراللیسم
برنامه به الجزایر و استخدام مزدوران سفید
پوست از طرف امیراللیستهای بلژیک برای
کشتار خلق کنگو... بخوبی درس گرفته است و
"برادر مورد خلق قهرمان کرد که از یکطرف
سازره قهرمانانهاش رژیم را بنوازد و در
از طرف دیگر حقانیت مبارزه اش برای سربازان
و ارتشیان نا آگاهانه بیروشن میشود بطوریکه
بخش بزرگی از آنان دیگر خا ضربه جنگ با خلق
کرد نیستند، بکار میگیرند. ولی مزدوران و سربازان
حرفه ای رژیم نیز در مقابل کوه دلی خلق دلاور
کردنخواهند و است کاری از پیش ببرند. ■

جشن خونین قربان به مردم سقز چگونه گذشت؟

۵۹/۷/۲۸ دوشنبه - صبح این روز عده ای
از پیشمرگان حزب دمکرات وارد شهر میشوند. و
بعد از گذشتن از قسمتهای مختلف شهر در نزدیکی
پل هواشی کمین میکنند. و در این هنگام یک
ماشین پراچا شویا سارا از آنجا عبور میکنند و
درگیری بین آنها شروع میشود. در طی درگیری
عده ای از ساراوان و ارتشیان کشته میشوند (۱).
در این نبرد "منوچهر زنگنه" و "جبار" دوش
از جاشهای مزدور کشته میشوند. و عبدالله
مکاریان مشهور به "عنه قاسم" زخمی میشود. بعد
از این درگیری ارتش ویا ساراوان در ژاندارمری
بقیه در صفحه ۲۱



با اعداد محدود به میان زحمتکشان سارگردو
بصم نورا خود را ادامه دهد...

بعد از قیام رفیق تیمور به همراه رفقای
محلی تشکیل دادند. این محفل در بوجود
آوردن "جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی
خلق کرد" یوکان نقش فعالی داشت. در دوران
بورش اول رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به
کردستان، رفیق در روستاهای اطراف سردشت
در میان زحمتکشان فعالانه به کارگزاران
مشغول بود. رفیق در تشکیل اتحادیه دهقانی
در منطقه "نه لیل" (اطراف سردشت) نقش فعال
داشت و مردم را در جنگ با فئودالها و خلق سلاج
کمیته فئودالی "تازه قلعه" (بین سردشت -
پیرا شهر) متشکل نمود. او توانست در این مدت
تجارب ارزنده ای بدست آورد. همچنین رفیق
تیمور در جریان آزادی سازی شهر یوکان از دست
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نقش فعالی
بعده داشت.

رفیق تیمور که عشق به مبارزه در راه طبقه
کا رگرو زحمتکشان در وجودش شعله ور بود در
جستجوی تشکیلاتی بود که بتواند در این راه
جوابگوی خواسته های مبارزاتی اش باشد.

در رابطه با شهادت رفیق تیمور تشکیلات
یوکان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه
کارگر، اعلامیه ای انتشار داد که در اینجا
ما قسمتهای از آن را می آوریم:

گرامی باد یاد پیشمرگه شهید رفیق تیمور حسینی

مدتهاست که در خاک سرزمین کردستان لاله -
های سرخ در تماشای طول سال میروند و در هر
نقشه از کوهها و دشت های آن عطر خود را میپراکنند.
دیروز ما نیست که افق در سرزمین کردستان خورشید
است و سرخی اش هر لحظه بر رنگت و امید روزی
را در دل زحمتکشان خلق کرد باور میسازد.

۲۷ مهرش بود که پیشمرگه قهرمان تیمور
حسینی در جریان حمله دودسته از پیشمرگان
سازمان به مقر سپاه ساراوان و جاشهای ضد
خلق در سقز بعد از وارد آوردن ضربه توسط
پیشمرگان، در حال عقب نشینی مورد اصابت
گلوله مرتجعین ضد خلق قرار گرفت و چند لحظه
بعد شهادت رسید. در آن لحظه بدون شک آفرین
فریادش جز "پیروز با طبقه کارگر ایران"،
"پیروز با جنبش مقاومت خلق کرد" نبود. او که
قلبش آکنده از مهر به زحمتکشان بود خاموش شد، لیکن
خون سرخش در فرش سرخ انقلاب دمکراتیک - ضد
امپریالیستی خلقهای ایران را سحر نمود.

رفیق تیمور در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده
خرده مالک در روستای "قازلیان" از روستاهای
یوکان دیده به جهان گشود... در یوکان بسا
پشتکار و با موفقیت دوران متوسطه را گذراند و
بعد از گرفتن دیپلم وارد دانشگاه تبریز شد.
ولی یکسال بعد دانشگاه خود را تغییر داد و
وارد دانشگاه کشاورزی رها شد... او با
درک ضرورت مبارزه انقلابی برای نابودی ستم
و استثمار و راد بر توده ها، فعالانه در مبارزات
سیاسی دانشجویی شرکت نمود... در این اوضاع
بود که رفیق تیمور توسط مزدوران - ساواک
شنا ساشی شد و همین باعث شد که بعد از یکسال از
تحصیل محروم شود. اما این امر نه تنها مانع
ادامه مبارزه و تشدید مبارزات او نبود.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

که خون پاکش را بنا را طبقه کارگر و زحمتکشان
سراسر ایران کرد.

گرمای بادیدار دهنده رفیق تیمور حسنی! /
گرمای بادیدار دهنده شهدای بخون خفته خلق! /
بیروز با دجنش مقاومت خلق کرد /
پیوند با مبارزات خلقهای سراسر ایران! /
برقرار با دغدغه مختاری خلقها در /
جمهوری دمکراتیک خلق! /
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر /
بوکان ۱۳۵۹/۷/۳

★ ★ ★

دربزرگداشت رفیق تیمور

پس از شهادت رفیق تیمور در ۷/۲۷، پیشمرگان
و عده زیادی از مردم جسد شهید تیمور را برای حمل
به زادگاهش روستای قازلیان (در نزدیکی بوکان)
تأییل شایع میکنند. در طول راه شعارهایی به
پشتیبانی از پیشمرگان و جنبش مقاومت داده
میشد. سپس انبوه جمعیت با ماشین را هی زادگاه
رفیق شده و در آنجا شهید را با انقلاب خونین را به
خاک میسپارند. در مراسم خاک سپاری رفیق
شهید از طرف سازمان پیکار، گوهله، دفتر
ما موسیای عزالدین حسینی پیام خواننده
میشود و مراسم با صحبتی گرم و صمیمانه پدر
شهید خاتمه مییابد.

در روز سوم مرگ رفیق شهید در روستای
قازلیان زادگاهش مراسم برپا میگردد. در
این مراسم پیام سازمان پیکار... و یک قطعه
شعر خوانده میشود. در طول مراسم سرودهای
ای شهیدان و چند سرود دیگر توسط پیشمرگان و
اهالی منطقه خوانده میشود و شعارهایی به
پشتیبانی از جنبش مقاومت داده میشود. در روز
۷/۲۹ بمناسبت یادبود شهادت رفیق تیمور
در مسجدی از بوکان مراسم یادبود به دعوت
خانواده شهید برگزار میشود. در این مراسم یکی
از پیشمرگان سازمان پیکار در راه بطله شهید
شدن کاک تیمور، مختصری از شرح حال مبارزاتی
او، جنگ ایران و عراق، مسئله خود مختاری صحبت
میکند. در این یادبود پیام سازمان چریکها
(اقلیت) خوانده شد.



با چشم باز در افق خونین کردستان

کرد: من عضو اداره سیاسی - ایدئولوژیک
(همان آشپزخانه‌ای که غذای سیم می پزد)
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران هستم.
در ستاد مشترک برای مکتبی کردن ارتش اداره
- ای بنا ما اداره (سیاسی - ایدئولوژیک)
تشکیل شده است. ما ۱۵۰ نفر هستیم و در جبهه لیسانس
داریم. از ما امتحان بعمل آمده است و دوسه ماه
آموزش دیده ایم. در سیمهای دوفهره به پا دگان
- ما میرویم و در آنجا به فعالیتهای تبلیغاتی
از قبیل تشکیل کتاخانه، نشریات سخنرانی، میپردازیم
تشکیل نماشگاه و ترتیب سخنرانی، میپردازیم
اولح مدایش را محکمتر کرد و از مبارزه با
کفار و دشمنان اسلام سخن گفت... حرفهای پیش
را مدای "الله اکبر" قطع میکرد و او هم چنان
ادامه میداد. آیههای قرآن را میخواند که حکم
بر کوبیدن منافقین و از بین بردن کفار،
داده اند. آیهها را با التها و فراوان قرائت
میکرد و سعی داشت لحش کوبیده باشد و در حرکت
لبها و دهان بازش توجه را جلب کرده بود
سرگرد سخنران، ارتش را برای ما اینطور
توصیف و دستهبندی میکرد:

بقیه در صفحه ۱۶

خاطرات يك سرباز (۱۰)

۲۰ اردیبهشت

امروز به صحرای رفتیم صحرای قدر زیباست.
تمام کردستان زیباست. دشتهای سرسبز
که دامنههای کوههای استوار هستند.
گلپای وحشی بهاری که در معرض تسمت با
میخورند: بهار زیبای کردستان!

بر روی گندمهای تازه که در صحرای کاسته اند
به آموزش نظامی پرداختیم در هر حالت لباس
که سربازان بدور هم جمع میشدند چند نفری حرف
های ضدگرمی زدند. یکی از درجه داران از
گروگانگیری امان شریف میگفت: در یک روز
وقتی که آنها را گرفتیم آنقدر زدیم که دیگر جانی
در بدنشان نماند! یک نفر دیگر می گفت: اینها
مردمی بیگانه و مفت خور هستند. به او گفتم: پس
این زمینی را که زیر پای ما است چه کسی کاشته
است؟ سکوت کرد. من هم سکوت کردم کافی است
آنها را بفکر بیندازی. تازه بیا دمیا و روند که
ورای آنچه شب و روز به آنها میگویند، واقعیات
دیگری هست که تنها لازم است آدم گوشها و چشم
هاش را بکار بیندازد تا آنها را دریابد. آخر
آنها خودشان هم غالباً از خانوادههای زحمتکش
برخاسته اند و اکنون نیز تحت ستم و تبعیض هستند
گندمهای تازه دسترنج دهقانان زحمتکش کرد
حاصل دستهای پینه بسته، زیرچشمهای ماله شده

افسرده به پا دگان برگشته است ۳ بعد از -
ظهر برای یک سخنرانی جمعمان کردند. آخر
همیشه غذای سیمی لازم است تا مغزهای فاسد
ترتیب شوند! سرگرد سخنران خود را معرفی

اوبالاخره "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر" را انتخاب نمود و در صفوف پیشمرگه های
آن جای گرفت.

بعد از اشغال "کامیاران" توسط نیروهای
سرکوبگر رژیم، دسته ای از پیشمرگان سازمان
که رفیق تیمور در آن فعالیت داشت در روستاهای
اطراف کامیاران مستقر گردید، رفیق همراه
سایر پیشمرگان، در آن نواحی در کنترل جاده
کامیاران - سنندج شرکت جست و در جهت روشن
نمودن اهداف جنبش مقاومت برای مسافرانی
که از این جاده عبور میکنند نقش ارزنده ای
ایفا نمود. رفیق تیمور در جریان ضرباتی که
پیشمرگان به نیروهای مزدور رژیم جمهوری
اسلامی مستقر در کامیاران، فرودگاه سنندج و
ستونهای اعزامی از کامیاران به سنندج وارد
میکردند فعالانه شرکت نمود. وجار و توانائی
بسیاری از خودشان داد. او همچنین در آگاه
سازی و تشکل دهی روستائیان منطقه بخصوص

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

درگرمای جنگ غیرعادلانه کنونی رژیم جمهوری اسلامی ۳ پیکارگر دلیر را در خوزستان تیرباران کرد

★ پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، جرم: کمک به جنگزدگان و مسئول چادر امداد هواداران پیکار
★ پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتر کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست، جرم: هوادار سازمان پیکار
★ جان رفیق حسنعلی شهبازی کاندیدای مورد حمایت سازمان پیکار در انتخابات مجلس شورای اسلامی دیکاراز پیکارگران، در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در خطر است.

ما به خلق قهرمان ایران، در مورد تشدید سرکوب و خفقان و ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیستها در گرمای این جنگ ارتجاعی هشدار میدهم.

میان زحمتکشان آذربایجان می پرداخت، در روز دوم مهر از چادر امداد هواداران سازمان پیکار دستگیر شد. رفیق به جرم مسئولیت چادر که برای کمک به جنگ زدگان داده شده بود، ۲۵ سیر و ۲۷ مهر تحت شکنجه قرار گرفت و با لایحه در روز ۲۷ مهر توسط دژ خیمان جمهوری اسلامی تیرباران شد. پیکارگر شهید محمد اشرفی، نفتر کمونیست و پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام معلم کمونیست به اتفاق پیکارگر اسیر حسنعلی شهبازی (کاندیدای مورد حمایت سازمان در انتخابات مجلس در آذربایجان) در روز سه شنبه ۲۹ مهر در آذربایجان دستگیر شدند. جرم آنها این بود که در روز قبل اعلامیه های سازمان پیکار در مورد جنگ در سطح وسیعی در شهر پخش شده بود! هنگامی که خانواده های این دلاوران بازن و بچه برای اعتراض به دستگیری آنان روانه سپاه پاسداران میشوند، مورد ضرب و جرح پاسداران سرمایه قرا میگیرند و با لایحه در روز سه شنبه سوم

اسلامی "و فریب داده می اندیشد، آری چنین رژیمی از کمونیستها می ترسد و در این میان در چند ماه اخیر نشان داده است که بیش از پیش از سازمان ما وحشت دارد. چرا که ما همراهِ دیگر نیروهای پیگیر جنبش به توده ها میگوئیم که رژیم در کارخانه ها و مزارع و در کردستان و ترکمن - صراحتاً به سرزحمتکشان ما می آورد. در دانشگاه ها و زندانها با روشنفکران ما چه میکند و در جنگ ارتجاعی کنونی چه اهدافی را دنبال میکند. و روابط و اقمیش با امپریالیسم چگونه است. آری رژیم از آگاهی توده ها وحشت دارد و چنین است که از اعلامیه ها و نشریات کمونیستها بشدت وحشت دارد و فعالیت افشاگران را با ترور و تیرباران پاسخ میگوید. جنایت جدید رژیم در تیرباران ۳ پیکارگر قهرمان در آذربایجان و آذربایجان، ادا میسازد کشتار و سرکوب رژیم برای بازسازی سرمایه - داری وابسته است و ما به خلق قهرمان ایران در مورد تشدید این سیاست سرکوب و خفقان و ترور و تیرباران به بهانه جنگ غیرعادلانه کنونی هشدار میدهم.

سه پیکارگر قهرمان چرا تیرباران شدند

با شروع جنگ رفقای هوادار سازمان خوزستان فعالان در کمیته های امداد شرکت جستند آنها همه جا در کنار توده ها، به افشاکری بر علیه این جنگ ارتجاعی پرداخته، دشمنان از هیچ فداکاری و از جان گذشتگی به منظور کاهش مدمات جنگ برای توده ها دریغ نکردند. و تیرباران باران دلاورمادر خوزستان نیز به طایفه ای رزمندگی و پیکارجویی رفقای هوادار ما بوده است. پیکارگر شهید شکرالله دانشیار، که مدتها بود در سنگرزمان پیکار به فعالیت انقلابی در

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر با قلبی مالامال از عشق به زحمتکشان و نفرت و کینه به دشمنان خلق و با افتخار و سربلندی شهادت ۳ پیکارگر دلیر ۳ عاشق خلق و ۳ دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم و سرمایه داری را به اطلاع زحمتکشان میهن میرساند و با پیما نسی استوار تر برای رهاشی زحمتکشان، مانع همیشه تنها انگاشته شده های انقلابی میهن روی می آورد.

خلق قهرمان ایران: در بحبوحه جنگ ایران و عراق، که بوق و کرنا ی تبلیغات دروغین رژیم مبنی بر "دفاع از میهن" گوش فلک را کر کرده است، در شرایطی که به بهانه شرکت در جنگ، رژیم میکوشد مبارزات توده ها را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع منحرف کند.

در زمانی که با طراپین جنگ غیرعادلانه توده های زحمتکش ما زیر باران خمپاره و توپ و راکت، خانه خراب و دریدر میشوند و جان می سپارند.

در هنگامیکه رژیم با فریب توده ها، خود را مدافع مردم و ضد امپریالیسم جا میزند، آری درست در همین هنگام که جنگ با دولتی دیگر نیز، رژیم بیش از پیش بر علیه انقلابیون و زحمتکشان توطئه میکند. رژیم ارتجاعی ایران اکنون با تشدید خفقان و سرکوب، دستگیری و شکنجه و با لایحه اعدام انقلابیون کمونیست، بخوبی نشان می دهد که دشمن واقعی کیست؟ و چه اهدافی را در این جنگ دنبال میکند.

رژیم که به بهانه جنگ هم اکنون مشغول بند و بست با امپریالیسم آمریکا برای خرید سلاح و آزادی جاسوسهاست، رژیم که در این ۲۰ ماهه، جز کشتار و ترور و شکست و پیکاری و جنگ خانمانسوز برای زحمتکشان ایران به ارمغان نیاورده است و همچون رژیم فدا خلقی شاه شاهان و بختیار مزدور به سرنیزه تکیه کرده و از کردستان تا دانشگاه ها و ترکمن صحرا تا میدانهای تیرزندان و این وزندهای خوزستان و... خاک را با خون پاک زحمتکشان و انقلابیون و کمونیستها رنگین کرده است، رژیم که منافع سرمایه داری وابسته را حفظ کرده و همچنان از استعمار و غارت زحمتکشان ایران حمایت میکند.

رژیم که کارگران و زحمتکشان را استثمار میکند و مبارزاتشان را بخون میکشد، رژیم که با دولت ارتجاعی و فدا خلقی عراق درگیر جنگی غیرعادلانه و بر خلاف منافع زحمتکشان ایران و عراق شده است و همچون سرمایه داران عراق که در فکر توسعه طلبی و منحرف کردن ذهن توده ها از مسائل داخلی خود هستند، به مدور "انقلاب



پیکارگر شهید شکرالله دانشیار
متأسفانه عکس دو رفیق شهید دیگر دست ما نرسیده است

بقید از صفحہ ۲۴ سالروز ۰۰۰

اظهارات رفسنجانی کاجمله متناوب بوده است،
او گفت: "خوبه میتوان اظهار داشت که حـ
مساعی برای آزادی کروکناها در مجلس وجود
داشته اند." (صبح آزادگان ۵۰ آبان ۱۳۸۰)
علیمی است که چون سرکردگی حزب دردست جناح
بورژوازی است؛ این نظرات رفسنجانی است
که غالب خواهد بود. هم چنانکه دیدیم در مجلس
نظراتی که سوی آزادی کروکناها را مبداهند،
اکثریت را بدست آورد و مخالفین آزادی کروکنا
ها که شرایط را بنفع آزادی جاسوسان مساعد
میدید و کوشیدند تا مسئله فعلا مسکوت بماند که
با اکثریت آراء ردد. (۱۱). کوشش دیگری این
گروه برای علمی کردن حلمات مجلس در مورد
کروکناها نبرددید. آنها کوشیدند، با علمی کردن
حلمات آن نمایندگان را که میخواهند بسود
آزادی کروکناها سخن بگویند، در محذور بگذارند
چرا که بسیاری از نمایندگان حزب جمهوری که
در گذشته در آزادی کروکناها به مصلحت اندیشی
اشک و هوانا آزادی کروکناها هستند. غیر
علمی کردن مجلس کوشش دیگری بود از سوی
حاشائی که بگذارند خلق فهومان این
سازندگاری و بندوبست نان را با امیرا این
بمان بمانند. بهر صورت حلال بر سر مسئله
کروکناها مان جناح خرده بورژوازی حزب

گنو: بورژوازی لیبرال و جناح بورژوازی
حزب جمهوری از سوی دیگر در مجلس در هفتاد
کدش با رأی ۸۰، آخربن گوش جناح خرد -
بورژوازی، از اکثریت انداختن مجلس در روز ۸
آبان با عدم شرکت در مجلس شورا بود. آنها که
در مورد سکوت ماندن مسئله در مجلس ۸۷ رأی
به ۱۰۰ رأی شکست خورده بودند و میدیدند،
اکثریت مجلس خواهان آزادی کروکاشا است
چهار روز مانده به انتخابات مجلس و از اکثریت
و کارآیی انداختن مانع تصمیم گیری مجلس
شوند. جناح خرد بورژوازی حزب میخواهد تنها
کروکاشا همچنان بعنوان کالاشی توهّم آور
برای قریب توده ها بکار گرفته شود، مافا بر
اینکه عمربورژوازی را در مورد بازسازی سرمایه
- داری وابسته با شود لیبرالها نیز ندارند و
خود شیوه های دیگری را قبول دارند بهر صورت
اگر آیت الله خمینی دخالت کند و با جناح
بورژوازی حزب سرکردگی اش را اعمال نکند،
رئیس جمهوری اسلامی را در انتخابات تاریک
جمهوری آمریکا، با آزادی کروکاشا، در حقیقت
به کارشرا میدهد! ناگفته ماند که با مداخله
آیت الله منتظری و تاکید او بر ضرورت شرکت
تمامی بندگان غایب در مجلس با تقلیت بیشتری
میتوان در این مورد نظر داد.

۱- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در پیان
آبان خود که در جمهوری اسلامی آبان چاب
شده خواهان سکوت گذاردن فعلی مسئله
کروگانا شد، بخوبی پیداست که این ارگان
خود به یوروزای مرفه‌نستی بخوبی حس کرده
است که چگونه یوروزای سنتی و لیبرال را ردمد
آزادی کروگانا نه‌اند.

ما می دانیم سبک می دانیم که کاروان سرخ
سپیدان سرپا زانسان ندارد چرا که سید
لبنانی را سید را کویسما زخوا خدا سپید
و اسب ۳ کل سرخ دیگر را در خمیان چپ سوری
اسلامی نیز گردن ۳۰ عاق خلق را در خمیان
کنند. هراس دینان است در است که مسئول
ما را امداد حکم زدگان را میکند و هراس یحیی
اعلامه ما را من یک بنکر و یک مقام کمونیست
را تیرباران میکند. این سه شهید ما خطر سرخ خون
سپیدان ما را در لبنانی را داد و می بخند که
تا سوسالیمنا سوس را هراسی ما خواهد بود.
ما را ما را این سید و کویسما سیمان
خونین را با همگان را در کراش است میکند
"ما می روم، غم نیست، دردی ماند." و این رد
رهروان سرخ بسیاری خواهد داشت. اکنون نفر
ا حسانت جدید هواک رزم را در نیروی مادی
بدل سازیم، بدست یوگداش سرخ را سید
و سید و سیمان توده ها سریم، سپیدان را حقی
است که هیچ تاخیر بر نمی دارد و آن می گذرد
کردن ما است، در زمین ما تمام توان و نیرو است
برای آگاه و منکل کردن توده ها. ما سرک ۳
شهید، بهر چه فرو افتاده سرخان را سرک و سوس
تدبهای محکوم سوسی حاکمیت زمینگان سازیم، این است!

بعد از صبح ۱۲ نگاه ۴۰۰۰

« سازمان مبارزه مسلحانه » یک کد در جیب خرازی
پوشیده در منطقه هوا زدست به یک سری عملیات
مسلحانه علیه رژیم بعثی الکمر - صدام زد و زنی
این گروه اعتقاد پیدا اندامات مسلحانه پادشاه
احراقی مثنی چریکی بود که آنرا سورب یک
گروه جدا ازنده در آرد. یعنی نام عزیز الحاج
کدارا عتای ایضا فعال و تنوری دان حزب بود
در رهبری این گروه خوار است که پس از دستگیری
خود را بر رژیم فروخت و هم اکنون در خدمت رژیم
بعث خوار دارد .

گروه دیگری هم به نام "سازمان ایشادیه" وجود داشت که در کردستان مدتی فعالیت می‌نمود و می‌کرد و همه‌های کوچک دیگری در سایر مناطق عراق داشت.

ادامہ دار

سرمايه‌داري وابسته، و هرگونه ستم طبقاتي و تا
طلوع خورشيدزيباي سوسياليسم كه آرا نشان
بود، مي‌بينيم.

دروود بر شهیدان قهرمان خلق، بیکارگران
دلاور، رفقا، شکر الله دستیار، محمدا شرفی
و منوچهر نیک اندام
دروود بر همه شهیدان خلق
مهرک بر آب و آسمان و ارتفاع
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

09/2/2

★ ★ ★

مبارزه‌ی امان طلبی با استبداد
سرماهداری و بربراری حاکم‌کاران و
زحمتکشان و سرپرست‌های زجرگس
از خواهدا سعاد. دربرداشت‌های حاصل با
دشمن طبقاتی. در آن هنگام که در ده. در قدرت
دشمن را به تحلیل می‌بریم بر توان و تسلط
خود می‌افزایم. در آن هنگام که در سدا یک
پیروزی انقلاب غری می‌گوشیم. طبقاتی است
از سبب دولت‌های سرماهداری حاکم در امان
می‌نشینم و ما که می‌گوشیم با دشمن هر چه کمتر در
شیخون‌ها نشانی ما غریب‌ترند. اما از سرمای
دشمن. هر چه بیشتر.

تکریباً در آرخ ۱۴۲ ساله کمونیسم را (اگر
تایید را ابتدا بکروم، احمد خراسانی،
نادر است. چند ده میلیون کمونیست در راه
آرمانشاق به پیش قدمت رسیده اند. تکریباً کمونیسم
را که چگونه اکنون تمامی سرمایه داری جهانی
را بدو حثت افکند و هراس مرک را و مسئولی
کرده است. آری باید که جمهوری اسلامی نیز چون
هر دولت سرمایه داری دیگر از کمونیستها بترسد،
چرا که کمونیستها پیام آوران حاکمیت کارگران

نایان (۴ روز پس از دستگیری) درون از قفسار
- باران میخوند و جان رفیق سوم سز در خطر است
ری حرم آستانه اشیا عشق ناز حمنگان و هواداری
ما زمان بوده است. ما مدخلی فهران ایران در
مورد سر نوشت بیگنا زکران اسیر همدارمند هم و
زهد سروهای انقلابی میخواهم کد در مقابل
نور و سر باران بیگنا زکران ساکت نشینند.
راسی که رژیم خود را رسوا میکند، دروغگو-
بانی که ادعای خدا میپراست بودن دارند،
گودنا گیان که مزدور آمریکایی را آزاد میکنند،
هرای آزادی میگویند که جاسوس به بندوبست
می پردازند اما بدن سرخست ترین مبارزان ضد
امپریالیست را با سرب داغ بر میکنند.

رژیم، با او اکپها و مزدوران آمریکا می را به بهانه نبودن نیروها و حتی بیشتر از یک سال محاکمه نمی کند. (ما ننذا میرا نظام) و با فوراً آزاد کرده، مثلاً حاس به آنها می سپارد، ولی رفقای قهرمان ما را در فاصله ۴ روز در پشت درهای بسته پیدا گها بدون رعایت کمترین موازین بشری، به اصطلاح محاکمه و تپ با ران می کند.

اما خون سرخ رفقای قهرمان ما، سند
فتخار ما و ننگ جمهوری اسلامی است.

خون ۳ رفیق پیکا رگر به رودخروشان خون
پاک شهیدان انقلاب ایران بیست تاد سنده
ای نه چندان دور، امپریالیسم و راجع را
در خود غرق کند.

سوگند به خوششان که راهشان را تا نابودی

تنها طبقه کارگر است که از آزادی حقیقی ملیتها دفاع میکند



آنچه برای طبقه کارگر و کمونیستها در رابطه با خلقها بسیار مهم و ضروریست جلب اعتماد خلقها به خود میباید. بورژوازی با تبلیغات شوینستی خود میکوشد بین خلقها تفای انداخته و وحدت میان آنها را از بین ببرد تا بدین ترتیب بتواند اذیت و تحقیر خود را بر آنها تحمیل کند. طبقه کارگر و کمونیستها با شرکت مستقیم در مبارزات توده‌ای خلقها برای حقوق خواسته‌هاشان و ارتقا سطح این مبارزات و تبلیغ همبستگی میان خلقها و کارگران کلیه ملل و بالاخره با دفاع و پشتیبانی از مبارزات خلقهای ستمدیده و طبقه خود را در قبال خلقها انجام میدهند. این دفاع و پشتیبانی به چه معناست؟ همانطور که رفیق استالین در "مسائل لنینیسم" میگوید "معنای این آن نیست که پروولتا ریا با بد با هر قسم نهضت ملی یعنی در همه جا و همیشه و در تمام موارد بخصوص کمک نماید. سخن ما در اینجا در باب مساعدت به چنان نهضتهای ملی است که با عت ضعف و سرنگونی امپریالیسم شوند آنکه سبب استحکام و بقای آن گردد."

بر این اساس کمونیستها از نهضت خلق کرد پشتیبانی میکنند چرا که این نهضت برای رکنان ارتجاع و امپریالیسم ضربه وارد میبازد. طبقه کارگر و کمونیستها در عین حال که با شرکت و پشتیبانی خود به خلقهای تحت ستم مبارزه‌شان کمک میکنند، با هرگونه تحریف ناسیونالیستی که بخواد جنبش خلقهای تحت ستم را از جنبش عمومی خلقهای کشور بر علیه ارتجاع و امپریالیسم جدا کند و طبقه کارگر را به شکست بکشد، مبارزه میکنند و به خلقها می‌آموزند که مبارزه آنها جزء جدائی ناپذیر انقلاب دموکراتیک و فدا امپریالیستی برهبری طبقه کارگر می باشد. تنها در صورت پیروزی طبقه کارگر ایران است که خلقهای سراسر ایران آزاد میشوند. و به این ترتیب به خلقها ثابت میشود که این پروولتا ریا و "فقط پروولتا ریاست که از آزادی حقیقی ملت‌ها و از وحدت کارگران کلیه ملل دفاع میکند."

★ ★ ★

اما چه طبقه‌ای میتواند این اصول را بکار برد؟ آیا طبقه سرمایه‌دار قادر است ستم ملی را از میان ببرد؟ بدون شک خیر، بورژوازی سعی میکند در برابر خواسته‌های خلقهای تحت ستم را ابتدا موجودیت ملیتها را نفی کند و خواسته‌های خلقها را با سکوت برگزارد نماید و هنگامیکه جنبش خلقها بالا گرفت ابتدا برکوب جنبش و چنانچه با زهم موفق به خواباندن جنبش نشد میکوشد با دادن آزادی‌های ظاهری و موقتی جنبش را خاموش کند.

شاهد این مدعاها رژیم شاهنشاهی است که در برابر سرعمرنگین و پیرنگین خود جز ستم طبقه‌ای و ملی علیه خلقهای تحت ستم کار دیگری نکرد. رژیم جمهوری اسلامی نیز در مدت یکسال و نیم از عمر خود بنا به ماهیت طبقه‌ای اش نه تنها به خواست عادلانه خلقها جواب مثبتی نداد، بلکه بعنوان نمونه دیدیم که از ابتدای برقراری جمهوری اسلامی، خلق کرد بطرز وحشیانه - ای سرکوب شد و خلقهای بیچاره خواسته جواب خواسته‌های عادلانه خود را با مبارزان شهرونده گرفتند. بعلاوه دیدیم انقلابیونی که همراه با خلق کرد بر علیه ارتجاع مبارزه کردند و میکشند بطرز سبانه‌ای تحت شکنجه این سفاکان قرار گرفته و یا به‌خود غذا مسپرده شدند.

خود بورژوازی هم بنا به ماهیت و ترزلات طبقه‌ایش نمی‌تواند جوابگوی رفع ستم ملی باشد و در مورد خلق کرد هم میبینیم که نتوانست خود را در جایگاهی که به خواسته‌های خلق کرد نشان داده و همه جا همدا و همگام با بورژوازی به سرکوب جنبش خلقها پرداخته است.

تنها این طبقه کارگر است که به علت انقلابی و پیگیر بودن خود در مبارزه بر علیه امپریالیسم و طبقه کارگر و ستم ملی میتواند این امر مهم را بعنوان یکی از وظایف اساسی خود انجام دهد. در شوری بعد از انقلاب کبیرا اکثر دیدیم که چگونه طبقه کارگر برهبری حزب بلشویک توانست به خلقهای تحت ستم آزادی و برابری بدهد و در چین نیز خلقهای تحت ستم برهبری حزب کمونیست چین توانستند به حقوق واقعی خود دست یابند.

یکی از وظایف مهم طبقه کارگر، بعنوان پیگیرترین و انقلابی‌ترین طبقه اجتماعی و کمونیستها، بعنوان نمایندگان این طبقه انقلابی، رفع ستم ملی از خلقهای ستمدیده میهنمان (کرد، ترکمن، بلوچ، ترک و...) و تأمین حق تعیین سرنوشت ملل بدست خودشان می باشد.

ستم ملی چیست و چگونه برای این خلقها ستم ملی وارد می‌آید؟ خلقهای تحت ستم ایران، ساکنان درازاست که زیر ستم طبقه‌ای و ملی رژیم حاکم از حقوق حقه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود محروم بوده و تحت اشکال گوناگون زیر فشار طبقه مسلط قرار داشته و دارند.

مثلا میبینیم که مناطقی مانند کردستان و بلوچستان از نظر اقتصادی عقب مانده‌تر از نقاط دیگر هستند سرمایه‌داری در این نقاط بسیار کمتر از نقاط دیگر رشد کرده و توده‌ها درگیر اشکال مناسبات تولیدی عقب مانده‌تری هستند بورژوازی فارس از عقب مانده بودن این مناطق برای غارت بیشتر زحماتشان آنجا استفاده کرده است از نظر رفاهی و عمرانی نیز این خلقها وضعیت به مراتب بدتری از دیگر زحماتشان محروم میهن ما دارند. بدین ترتیب ستم اقتصادی و سیاسی بر زحماتشان در این مناطق شدیدتر از دیگر مناطق بوده است.

از لحاظ فرهنگی در زمان رژیم شاه استفاده از زبان کردی در مدرسه پوشیدن لباس محلی برای کردها ممنوع بوده و بچه‌های کرد مجبور بودند که در خانه به یک زبان و در مدرسه به زبان دیگری سخن بگویند. در مورد امور مذهبی نیز کردها و بلوچها از حقوق برابر با فارسها محروم بودند. اینها نمونه‌هایی از مجموعه ستمگریهایی بود که توسط رژیم وابسته شاه در مورد کلیه خلقهای تحت ستم اعمال میشد و امروز از جانب رژیم جمهوری اسلامی نیز سیاست ستم‌گری اعمال میشود.

اما برآستی چگونه میتوان این ستم ملی را که بنا بر برتری میان ملیتها و عدم اعتماد و تفرقه میان خلقها را بدنبال دارد از میان برداشت و چه طبقه‌ای قادر به رفع این ستم ملی میباشد؟

ستم ملی تنها با بکار بردن اصول دموکراسی کارگری از بین خواهد رفت. رفیق لنین در نوشته "طبقه کارگر و مسئله ملی" می‌نویسد:

"برای هیچ ملتی و برای هیچ زبانی حتی یک امتیاز هم نباید قائل شد! بدون کوچک‌ترین اجاف و بدون کوچکترین تبعیض نسبت به اقلیت ملی! اینهاست اصول دموکراسی کارگری." "کارگران در برابر جهان که نه، جهان ستم ملی، تفرقه ملی و یا منازعات ملی، جهان نوین وحدت و دوستی - کسان تمام ملت‌ها را قرار میدهند که در آن برای حتی یک امتیاز، حتی برای کوچک‌ترین ستمگری انسان بر انسان دیگر جانی نیست."

درچین رویزونیستی چه میگذرد؟ (۳)

خیانت آشکار، خیانتی دیگر در شرف تکوین می باشد و آن آئینکمز رویزونیستی است که به جانی چینی یکی دیگر از دشمنان و رده های جنش بین - المللی کمونیستی را بطرز وقیحانه ای مورد حمله قرار داده اند. رویزونیست ها درچین بحثی برای نادیده اندیشی برای اینکه ما هیت نظام دروسی شوروی می توانستیم سوسیالیستی باشد (۱۲) "وانگ" نام پندار ملی گفتگوهای چین - شوروی و معاون وزیر خارجه چین اخیرا مطرح ساخته است که "در مورد مسئله بخصوص سوسیالیستی بودن یا سرمایه داری بودن شوروی از اظهار نظر شخصی خودداری میکنند و اظهار میدارند که باید در این مورد تحقیق بیشتری شود و نیازی به نتیجه گیری های عجولانه نیست." علاوه بر تنگ مرتد در نطقی در ۱۶ ژانویه سال مطرح نمود که "شوروی ۶۳ سال است که در حال ساختن سوسیالیسم بوده، از زمان انقلاب اکتبر ۱۹۱۷." (۳) او بدین ترتیب ما هیت امپریالیستی شوروی کنونی را نفی می نماید. آنچه مسلم است اینک امروز این موضع به موضع رسمی حزب تبدیل نگشته است، اما بسیار محتمل است که رویزونیست های چینی بطرز آشکار به اتخاذ چنین موضعی برسند. البته این امر عجیبی نیست زیرا به جانی های خیانتکار همان راهی را طی میکنند که خروش و برژنف خا شن طی کردند. رویزونیسم دارای مضمون طبقاتی یگانه است. رویزونیسم به جانی و رویزونیسم خروشی در جواهر اصلی و طبقاتی خود هیچگونه تضادی با یکدیگر ندارند. هر دو به یک راه منتهی میشوند: را سرمایه داری. بنا بر این امر عجیبی نیست که رویزونیست های چینی به مضامین اساسی مبارزه در رویزونیستی سالهای ۶۰ حمله کنند و ترسوسال امپریالیسم را مورد نفی قرار دهند. امروز رویزونیست های برژنفی و جزب توده خا شن، سیاست خارجی را از سیاست داخلی جدا کرده و مطرح میکنند که "سیاست داخلی چین سوسیالیستی" است و حال آنکه "سیاست خارجی آن ضد انقلابی" است! و از جاک معلوم که رویزونیست های چینی همین ترز ضد انقلابی را بطور آشکار و رسمی در مورد سوسال امپریالیسم شوروی مطرح می کنند؟ نه، این تقلب وقیحانه در مارکسیسم است.

←

(۳) - منبع این نقل قولها از ارگان "کارگر انقلابی" شماره ۵۷، ۳۰، ۱۹۸۰ می باشد.

خیانت های رویزونیستی لطافت خود را وارد نموده است. آنان تمام دستاوردهای راکه نتیجه اعمال مئی مارکسیستی لنینیستی رفیق ما ثوبوده موردتهاجم و نفی قرار داده و بطرز همه جا نهدشمنی خود را با سوسیالیسم نشان داده اند: نفی مبارزه طبقاتی پرولتاریا تحت دیکتاتور پرولتاریا، نفی امکان بازگشت بورژوازی به قدرت سیاسی و در نتیجه خلع سلاح نمودن طبقه کارگر، نفی انقلاب فرهنگی، پرولتاریا بی علیه مناسبات اجتماعی کهن، نفی کمون کشاورزی و تائید مالکیت خصوصی، نفی و حمله به کمیته های انقلابی درواحد های تولیدی و تائید برترتویت مدیریت انفرادی تکنیسین ها و متخصصین، نفی مبارزه علیه انگیزه محرکه مادی و تائید بر مشوقه های بورژوازی، حمله و ظردحاملین مئی پرولتری و بازگرداندن همه رویزونیست های خیانتکار در راس امور حزبی و دولتی، حمله رویزونیستی و خا شن به رفیق ما ثووا غاده حبشیت از رهروان راه سرمایه داری همچون لیوناس لوجی خا شن، حمایت از مذاهب فاعلیت های مذهبی و سرمایه داران قدیمی، نفی و حمله به مبارزات کبیرضد رویزونیستی سالهای ۶۰ حزب کمونیست چین علیه رویزونیسم تیتوتی و خروش و جفی، زمینه چینی جهت نفی ما هیت سوسال امپریالیستی شوروی و هزاران خیانت دیگر. اینها نمونه های از اقدامات ارتجاعی با نندنگ سوسیالیست و با در حقیقت نمونه های از تبیلورات مئی بورژوازی نوین درچین می باشد. نمونه های که آشکارا ما هیت متفادمنشی انقلابی رفیق ما ثوومشی ارتجاعی کنونی را بنمایش می گذارد (۲).

حسب در مورد آخرین خیانت رویزونیستی قدری مکت کنیم. میدانیم که چین سوسیالیستی تحت رهبری رفیق ما ثو، یوگسلاوی را بدرستی یک کشور سرمایه داری ارزیابی کرده و حزب رهبران یعنی تیتوتی خا شن را رویزونیست ارزیابی می نمود. اما با نندنگ - هوا این دستاورد حزب کمونیست چین را لکدمال کرده و اعلام داشت که یوگسلاوی کشور "سوسیالیستی"، حزب آن "کمونیستی" و رهبران "مارکسیست لنینیست کبیر" بشمار می آید. بدنبال این

(۲) - پرواض است که تائید بر مئی انقلابی ما ثو بمعنی نفی انحرافات راست و استراوانه چین کمونیست و رفیق ما ثو می باشد.

در سرمایه قبل راجع به خط مئی اقتصادی رویزونیست های سیهانی درچین اشاره کردیم و نشان دادیم که رویزونیست ها چگونه بر اساس مصوبات "اعلامیه مجلس ملی" در تعمیق خط مئی خا شنانه خود بجلورفته اند. در ادامه بحث قبیل با یکدیگر این واقعیتی است که رویزونیست ها درچین سوسیالیسم و دیکتاتور پرولتاریا را از بین برده و سرمایه داری را مستقر ساخته اند. از ژوژیا تک رویزونیست گفت: "هر آنچه که تولید را ترز می کند باید از بین برود." معنای دیگر این گفته جز این نمی توانست باشد که هر آنچه تولید سرمایه داری را ترز می کند باید از بین برود. بورژواهای نوین در راه تحقق این هدف با تمام قوا کوشیدند. آنان تولید سوسیالیستی را تخریب کرده و اقتصاد کشور را بر سرمایه داری سوق دادند و راه را بر ظهور مجموعه عوارض ناشی از نظام مگندیده سرمایه داری هموار نمودند. بنحوی که سیاست اقتصادی متکی بر "بازده بیشتر" و "سود افزونتر" نمی توانست به بحران نیانجامد. در سال ۱۹۷۹ کسری بودجه چین به ۱۱/۵ میلیون دلار رسیده، تورم به ۶ درصد بالغ شده، بدهی خارجی به ۱۴ میلیارد فرانک افزایش یافته و رشد تولیدات از ۸/۵ درصد به ۵/۵ درصد تنزل پیدا کرده است. (۱) در چین تخریب اقتصاد سوسیالیستی همراه سودا گشودن درهای کشور برای امپریالیست های جهانخواه، بعنوان نمونه حجم مبادلات چین و آمریکا در سال جاری به ۴ میلیارد دلار خواهد رسید. حال آنکه در سال پیش حجم مبادلات به بیش از ۱ میلیارد دلار رسیده بود. در حال حاضر از میان کشورهای رویزونیستی، چین بزرگترین شریک بازرگانی امپریالیسم آمریکا می باشد. علاوه بر مبادلات اصلی چین به آمریکا نفت خام است که در سال گذشته چین ۲۱ میلیون دلار از این بابت درآمده داشته است. ولی جالب آنجاست که در شرایط حاضر حجم مبادلات آمریکا به چین ۴ برابر حجم مبادلات چین به آمریکا میباشد. بورژوازی جهانی میکوشد تا چنین وانمود سازد که بحران اقتصادی چین ناشی از اقتصاد سوسیالیستی میباشد. حال آنکه این دروغ شیانده ای بیش نیست. این بحران نتیجه مستقیم حاکمیت بورژوازی نوین میباشد. ما می پرسیم چرا در زمان استالین در شوروی و در زمان ما ثو در چین ما با چنین بحرانها شعی مواجه نبودیم؟ پاسخ روشن است زیرا تولید سوسیالیستی فارغ از بحران میباشد، زیرا سوسیالیسم بهما نیست.

فراتر از رویزونیست های چینی به اینجا محدود نمیشود. در تمام عرصه های سیاست داخلی

(۱) - ارقام از: آفریقای جوان ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (اکسپرس) ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰ می باشد.

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

پرچم سرخ انقلاب اکبر بر فراز تاریخ درا هتراز است



کارل مارکس نوشت مرگ سرما به - داری به همان اندازه حتمی است که پیروزی سوسیالیسم امرنا گزیری است و لنین اثفا که کرد امپریالیسم آستان انقلاب پرولتاریا را است. ۶۳ سال پیش پرولتاریا روس گفته ما رکنس و لنین را تحقق بخشید: مبارزه طبقاتی پرولتاریا روس تحت رهبری حزب بلشویک و لنین کبیره انقلاب سرخ اکبر انجامید. با این انقلاب تئوروی سوسیالیسم علمی به نیسرووی

مادی واقعی و زنده تبدیل گشت و جهان را یک کام عظیم به جلوسوق داد.

غرض توبیهای انقلاب اکبر جهان را به لزه در آورد. این انقلاب مرگ نظام کهن و سر - آغا زدوران نویی از تاریخ مبارزه طبقاتی را در جهان اعلام داشت و خود سر آغا زدوران گذار از سرما به داری به سوسیالیسم بود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر برای اولین بار در تاریخ بشریت نظام مستکمرانه سرما به داری را و ازگون نمود و دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را برقرار ساخت. این انقلاب نقطه عطفی در تاریخ مبارزه طبقاتی بود.

انقلاب اکبر خط بطلانی بود بر نیلیفات ارتجاعی بورژوازی جهانی مبنی بر اینکه نظام سرما به داری نظامی جاودان و همیشگی است. این انقلاب نشان داد که تنها سوسیالیسم نیروی پیش رونده و تاریخ ساز است. انقلاب اکبر ممت رسوایان ایورتونیست انترناسیونال دوم را با زخم نمود، اپورتونیستهای که برای گرفتن امتیازاتی چند از بورژوازی به سگان نگهبان آن تبدیل شده به پرولتاریا و سوسیالیسم پشت کمر کرده انقلاب قهرآمیز پرولتتری و دیکتاتوری پرولتاریا را سیری شده و نمود می ساختند. بعلاوه انقلاب اکبر و روشنگری تروتسکیسم را نیز اعلام داشت و نشان داد که سوسیالیسم در یک کشور می تواند پیروز شود. انقلاب اکبر فروغ درخشان سوسیالیسم را در قلب میلیونها کارگرو توده زحمتکش سراسر جهان نفوذ داد و جهانی فارغ از استثمار را در برابر آن نهاد.

ارمان انقلاب پرولتاریا را اکبر چه بود؟ انقلاب اکبر پرچم سوسیالیسم پیروزمند را در سرزمین شوراها برافراشت و اتحاد جماهیر

در چین...

سیاست خارجی یک کشور را تا بی از سیاست داخلی همان کشور است. سیاست امپریالیستی شوروی در عرصه جهانی انعکاسی از ماهیت امپریالیستی طبقه و اقتصادا کم در این کشور می باشد و سیاست ارتجاعی چین در عرصه بین المللی بازتابا کمیت بورژوازی نوین در چین بشمار می آید. تزارتجاعی "سه جهان" اساس سیاست بین المللی چین امروز می باشد. این تزارتزارتی جهانی بورژوازی چین است. اگر چین کمک خود به جنبشهای آزادیبخش را قطع نمود، اگرچین به پرولتاریای جهان درس صلح و آشتی طبقاتی می دهد و انقلاب اجتماعی را نفی میکند، اگرچین خلقهای تحت سلطه را به وحدت با ارتجاع حاکم و بورژوا - امپریالیستهای "جهان دوم" دعوت میکند، اگرچین مبارزه ضد امپریالیستی را تحریف کرده و آنرا محدود به مبارزه ضد شوروی میکند... همه این سیاستها متکی بر تزار "سه جهان" با استراتژی بین المللی بورژوازی چین و نیازهای آن می باشد. رویزیونیستهای سه جهانی در راه ائتلاف و اتحاد با امپریالیستهای "جهان دوم" و امپریالیسم آمریکا مبارزه ملی و طبقاتی را تخطئه کرده و تا آنجا پیش میروند که از بیمان تاج و زکرا نه تا خود را بر بیمان تاج و زکرا را نه و شوخما بیت مینمایند. در حقیقت بورژوازی چین در مقابل با حریف عمده کنونی خود یعنی سوسیالیسم امپریالیسم در پی تحقق اتحاد مستحکم با دیگر امپریالیستهای می باشد و میکوشد بخصوص در هنگام جنگ، بلوک امپریالیستی غرب را در کنار خود داشته باشد. البته بر اساس تغییر و تحولات در جهان سرما به داری و ایجاد تئوری نوین در عرصه بین المللی این احتمال وجود دارد که چین در پی بلوک بندی جدیدی برآید و از جمله برای تأمین منافع خود در کنار روسیالیسم امپریالیسم نیز قرار گیرد. به بیان دیگر تضاد چین با شوروی از مقوله تضاد یک کشور - شوروی سوسیالیستی با شوروی بطور قطع با بیسان پذیرفته و تضاد کنونی ما هیتی بورژوازی دارد. برای این اساس را به چین به مثابه یک کشور شوروازی با دیگر کشورهای سرما به داری در چهار رجب جهان امپریالیستی تغییر پذیر است آری در چین بورژوا - رویزیونیست کنونی سوسیالیسم نا بوده و بورژوازی پیروز گشته است، اما مطمئن باشیم این پیروزی پیروزی نهائی نخواهد بود. اگر قبول داریم که در چین مبارزه طبقاتی نمرده است پس پرولتاریا دوباره قیام خواهد کرد، زیرا، "مبارزه طبقاتی نیروی محرکه مستقیم تاریخ است و بویژه مبارزه طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریا به مثابه نیرومندترین اهرم انقلاب اجتماعی بشمار می آید." (نماه کارل مارکس و فردریک انگلس به اگوست بیل و یلهلم لیکنخت، ویلهلم براک و دیگران)

شوروی سوسیالیستی را به پایگاه انقلاب جهانی و پشتیبانی مستحکم جنبشهای آزادیبخش تبدیل نمود، انقلاب اکبر دیکتاتوری ارتجاعی بورژوازی را سرگون کرد و دیکتاتوری پرولتاریا این عالمیترین دمکراسی توده ای را برقرار نمود، انقلاب اکبر کاخ سرما به داران، زمین داران، فرماندهان، کشیشان و تمامی پاسداران نظام کهن را منهدم ساخت و استثمار انسان از انسان را لغو نمود، انقلاب اکبر اقتصاد سوسیالیستی را در شهر و روستا برپا نمود فرهنگ سوسیالیستی را بیان توده ها برد و زندگی نوین و بدون اسارت را برای زحمتکشان به ارمغان آورد، انقلاب اکبر ما رکیسم - لنینیسم را تکامل داد، نهفت کارگرگری و کمونیستی بین المللی را تعمیق بخشید و گسترده ساخت، فوران جنبشهای آزادیبخش را در عرصه گیتی با عت گردید، برادر و گناه امپریالیسم محض و گنبد به ضربی کاری وارد ساخت و اردوگاه جهانی سوسیالیسم را بنا نهاد. آری انقلاب کبیر اکبر تحت رهبری لنین کبیر و ستالین کبیر راه را برای سوسیالیسم کمونیسم راه زحمتکشان سراسر جهان نشان داد.

در سرزمین شوراها پرچم سرخ سوسیالیسم ۲۵ سال در اهتراز بود، اما رویزیونیستها، این خا شنین به سوسیالیسم، این نما بندگانه بورژوازی نوین، دیکتاتوری پرولتاریا را سرگون ساختند و دیکتاتوری بورژوازی را مستقر نمودند. آنچه مسلم است اینکه این شکست شکستی محتمل برای پرولتاریا نخواهد بود. اگر پرچم اکبر در شوروی فرو افتاد، اما دوباره پرولتاریا قیام خواهد کرد، زیرا ما رکیسم لنینیسم زنده است، زیرا پرچم سرخ انقلاب اکبر بر فراز تاریخ در اهتراز است.

بقیه از صفحه ۱

وظایف عملی مادر قبال آوارگان جنگ!

آوارگان و رفقا مسئولین محلی رژیم با آنها همدرمیان آوارگان و همدرمیان مردم بومی شهر و از این طریق تبلیغ مواضع سازمان در میان آنها

۲- کمیته امداد (کمک رسانی)

کار این کمیته اساساً کمک رسانی در زمینه های مختلف به آوارگان است. این کمیته در زمینه های مختلف، پزشکی، بهداشت منطقه سکونت آوارگان، تهیه و توزیع آذوقه و خوارو- بار، اسکان دادن آوارگان، جمع آوری کمک های مالی، بهداشت و... برای آنان، فعالیت خواهد کرد. رفقای که همراهِ خانواده های خود در بین آوارگان زندگی میکنند عموماً در این کمیته و کمیته تشکیلات سازماندهی میشوند.

۳- کمیته تشکیلات

این کمیته موظف به انجام وظایف زیر میباشد:

- کوشش در جهت ایجاد تشکیلات مناسب در میان آوارگان برای رفع وحل مشکلات خود در زمینه های نان، مسکن و نیز برای هدایت و رهبری مبارزات آنان.
- ایجاد دسته های کمونیستی در میان آوارگان (از میان افراد مستعد و فعال و هوادار) و از این طریق هدایت و رهبری امور آوارگان.
- سازماندهی آوارگان حول اصلی ترین خواسته های فوری آنان.
- سازماندهی اعتراضات و مبارزات آنان در رابطه با جنگ، را دیکار لیزه کردن آنان و ارتقاء مبارزات آنها از جهت خط "جنگ" سازمان.
- ایجاد دپوئندبین مبارزات آوارگان و مبارزات مردم بومی شهر.
- همکاری با نیروهای سیاسی دیگر.

توجه به وظایف کمیته های مختلف نشان می دهد که ارتباط لاینفکی بین کمیته های مختلف وجود دارد و با بستی این کمیته ها هماغه با هم بعنوان تشکیلاتی یکپارچه به سازماندهی مبارزات آوارگان و ایجاد دپوئند نزدیک با آنها بپردازند به همین جهت ایجاد یک کمیته هماهنگی که در مجموع هدایت و رهبری کمیته ها را عهده دار باشد و بین آنها هماهنگی ایجاد نماید ضروری است.

استخوانبندی تشکیلاتی کمیته ها:

الف- کمیته سیاسی متشکل از رفقای باسند باشد که در عین توانائی رهبری و هدایت رفقای

بقیه در صفحه ۱۴

گروه تحقیق است که با بستی اطلاعات لازم راجع به آوارگان هر شهر را به شرح زیر گردآوری نماید

الف- وضع عمومی آوارگان - تعداد، ترکیب و درمیان (زن، مرد، بچه، پیر و جوان) موقعیت اجتماعی خانواده (مرفه، متوسط، فقیر)، شغل افراد کارکن خانواده، شهر محل سکونت قبلی آنها که از آن کوچ کرده اند. محل زندگی آوارگان (اردوگاه، منزل اقوام، مساجد و...) کیفیت و ظرفیت نیازهای عمومی و کمبودهای اصلی آنان ب- عکس العمل مردم شهری که آوارگان به آنها آمده اند (استقبال و همبستگی یا نارضایتی آنها) (ودلائل آن).

ج- عکس العمل ارگانها و مسئولین محلی رژیم نسبت به آوارگان؟ برخورد آنها در رابطه با اسکان آوارگان، تهیه امکانات و تسهیلات رفاهی چگونه بوده است؟ در رابطه با آوارگان چه مسائلی را به مردم بومی شهر توصیه میکنند؟...

د- چگونگی استقرار آوارگان در اردوگاه و چگونگی تأمین نیازهای زندگی آنها؟ آیا آوارگان محل زندگی خود را اشغال کرده اند یا مقامات محلی به آنها داده اند؟ نظراً به محتاج عمومی چه فشارهایی به آنها میاید؟ زلحاط نامناسب بودن یا نبودن مسکن در چه وضعیتی هستند؟

ه- روابط میان آوارگان چگونه است؟ آیا با هم همبستگی دارند؟

و- آیا شور یا کمیته ای برای انجام امور و مشکلات خود انتخاب کرده اند؟

ز- چگونگی نفوذ ما؟ کارهایی که باید انجام داد؟ چه تمایسهایی با آوارگان دارد؟ چگونه میتوان در میان آنها نفوذ کرد؟ کمبودهای اساسی و ضعف اصلی موجود چیست و چه میتوان کرد؟

ح- شمارهای مناسب برای بسیج آوارگان و ارتقاء مبارزات آنان و برآورد نمودن نیازها ب- هایشان.

وظایف عمومی کمیته سیاسی و تبلیغات عبارت است از:

- تبلیغ مواضع سازمان در میان آوارگان
- از راه های گوناگون از قبیل: بحثهای جمعی ترتیب دادن نمازگاه عکس از کشته شدگان، آوارگان، اسرا، خرابیهای جنگ، پخش اعلامیه و تراکت، نمایش تئاتر در رابطه با جنگ ارتجاعی و تاسیح و تازاد خلقی آنان، کسب اخبار دست اول جنگ و پخش آن در بین آوارگان، نمایش فیلمهای مناسب در رابطه با جنگ و...

- تهیه اخبار و گزارشات از شرایط آوارگان
- مشکلات آنها، رفتار مسئولین محلی رژیم با آنها
- تهیه عکس، اسلاید و فیلم افشاگرانه
- جمع بندی اوضاع و شرایط آوارگان
- افشای رژیم در رابطه با مشکلات و وضعیت

واضح است که واقعیت فوق (کوچ کردن توده های مناطق جنگ زده) بسیار مریخ حقانیت مواضع سازمان است. چرا که علیرغم میل رژیم و علیرغم تبلیغات کرکننده آنها که سعی میکنند وانمود سازند، مردم این مناطق به مقاومت سر- سختانه در مقابل عراق مشغولند... توده ها که در تجربه عینی خود جزو پیرانی و کشتار بیهوده از این جنگ چیزی ندیده اند، شهرها را ترک کرده و با زبان بی زبانی به رژیم اعلام کردند که این جنگ به نفع ما نیست و از آن نیز از بیم در این شرایط حساس و با توجه به واقعیت فوق، وظایف پس خطری بر عهده کمونیستها (و بخصوص سازمان ما) قرار میگیرد، ما که این جنگ را ارتجاعی میدانیم و محکوم میکنیم ما که میگوییم خلق نباید در این جنگ شرکت کند، باید دفاعاً لانه این خط را

بمیان توده ها ببریم در تمام جا هایی که حضور دارند: در جبهه جنگ (در لباس سربازی)، در شهر- های جنگ زده، در کارخانه ها، مدارس و... در اینجا بخصوص در میان آوارگان جنگی این خط را تبلیغ کنیم توده ها را آموزش و سازمان داده و بدینوسیله مبارزه توده ای را ارتقاء دهیم.

آری وظیفه اساسی اعفاء و هواداران سازمان در این شرایط بردن این ایده ها به درون توده ها و آموزش و متشکل کردن آنان است.

مادر این نوشته سعی میکنیم نکاتی را در مورد سازماندهی تبلیغ و ترویج در میان آوارگان جنگی توضیح دهیم

در توضیح ویژگی کار تبلیغی و ترویجی در میان این بخش از توده ها باید بگوییم که زمینه کاملاً مناسبی در میان آنان فراهم شده است و این زمینه بدلیل اینست که توده ها در تجربه عینی خود نسبت به نبودن جنگ ارتجاعی را لمس کرده و درک کرده اند که این جنگ برای آنها جز گرسنگی و آواره گی چیزی ندارد. با توجه به این مسئله، ما متقدیم علیرغم اینکه کار تشکیلاتی ما در مناطق مختلف همچون گذشته (البته با مضمون عمده تبلیغی و ترویجی روی سیاست، عدم شرکت در جنگ) ادامه خواهد یافت، ولی لازم است بخش مهمی از نیروها بمان را به امور آوارگان و کار در میان آنان اختصاص دهیم.

سازماندهی کار در میان آوارگان نیازمند تشکیل سه کمیته است که هر کدام از این کمیته ها رفقای فعال را در بخش خود سازماندهی خواهد کرد. این سه کمیته عبارتند از: سیاسی و تبلیغات، امداد و تشکیلات، حال به توضیح وظایف این کمیته ها بپردازیم و استخوانبندی تشکیلاتی این بخش را روشن میکنیم.

۱- کمیته سیاسی و تبلیغات

وظیفه این کمیته در درجه اول تشکیل یک

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ
غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

ادامه از شماره قبل
ساد شماره قبل اطلاعیه وحدت
گروه انقلابیون آزادی طبقه
کارگران اتحاد درج نمودیم که
مرکزیت گروه برای جمع بندی و
تعیین سیاست آینده، کنگره را
فرا می خواند. این کنگره در سه
زمینه زیر به بحث میپردازد:



گروه را در جهت چنین وحدتی تعیین نمودند.
 از آنجا که حرکت گروه گرا با نه ما در جهت
 حفظ شکل و حرکت مستقل و در یک کلام مملکت
 - گراشی تشکیلاتی مورد قدو غی قرار گرفته بود
 حرکت همه نیروها در راستای تدارک ایجاد حزب
 مشخص شده بود، کنگره صریحا اعلام داشت که دید -
 گاه ما در حرکت وحدت طلبانه با رفقای پیکار -
 نه تقویت صرف یک تشکیلات، بلکه تقویت اصولی
 - ترین جریان ایدئولوژیک درون جنبش
 کمونیستی است. (به نظر ما موضعگیری
 انقلابی رفقا در جنگ ایران و عراق نشانه دیگری
 از اصولیت دستان وردهای جدیدشان و وضوح
 انتخاب ما بوده است)

بدین ترتیب کنگره، کمیسیون مشخصی را
 برای وحدت انتخاب نمود. پس از اتمام کنگره
 گروه و رفقای پیکار پس از روشن کردن موارد
 اختلافات جزئی و تعیین جایگاه آنان و سپس
 از وحدت نظر بر روی اساسنامه زمان، در محیطی
 آکنده از روحیه تفا هموا اعتماد رفیقانه، امر
 وحدت تشکیلاتی را به سرانجام رساندند.

مختصری از ابعاد فعالیت گروه

به رغم انتقادات وارد به مجموعه حرکت
 گذشته، با پیدایش دستان وردهای فعالیت خستگی -
 نا پذیر رفقای گروه نا مبرد. اما بدین فعالیت
 نشان میدهد که چگونه خود را کار می، چنین پتانسیل
 مبارزاتی ارزشمندی را به بند کشیده است.

حیطه های فعالیت گروه در کارخانجات،
 جنبش پیکاری، جنبش دانش آموزی، جنبش دهقانی
 و مناطق توده ای - کارگری بوده است. دامنه
 فعالیت گروه: گیلان، آذربایجان، قزوین،
 ساوجبلاغ، کرج و تهران را در بر می گرفته است.
 - در تهران علاوه بر شرکت فعال در رهبری
 جنبش های اعتراضی پیکاری، معادله خانه، دهکده -
 داران و کار در مطبوعات و کارخانجات، رفقای گروه
 نقش فعالی در رهبری حرکت های عظیم اعتراضی
 چندکارخانه داشته اند. تجربیات ارزشمندی در
 این رابطه بدست آمده که گروه نتوانست به
 جنبش ارائه دهد.

- رفقای گروه در رهبری یکی از جنبش های
 معروف پیکاری ایران نقش تعیین کننده ای
 داشتند. این جنبش دستان وردهای مهمی در زمینه
 پیوند کارگران شاغل و پیکار رو پیوند انداخته -
 بان و دانش آموزان با جنبش کارگری داشته
 است. تجربیات حاصله در این مورد، چه در رابطه
 با رهبری جنبش توده ای، چه در رابطه با فعالیت های
 سندیکائی و چه در رابطه با خود جنبش کارگران
 پیکار، بسیار گرانمایه بوده است لیکن در این
 مورد هم ما نتوانستیم این تجربیات را به جنبش
 انتقال دهیم.

در جهت سرنگونی آن میباشند.

۴ - الف: اعتقاد به اینکه ساختار اقتصادی
 کنونی جامعه ما سرمایه داری وابسته است
 ب: انقلاب ایران در این مرحله دموکراتیک
 و ضد امپریالیستی میباشد با زوال انقلاب
 سوسیالیستی است.

ج: پرولتاریا نیروی عمده و اساسی انقلاب
 بوده و بورژوازی بعنوان یک طبقه ارتجاعی
 است.

۵ - رد مشی و اتئوریستی چریکی، به مثابه
 بینشی که ضرورت حزب و همزبونی پرولتاریا را
 نفی میکند

۲ - در زمینه برخورد به گذشته، کنگره اکنون میم
 (بی برنامه گی و حرکت خود بخودی) را انحراف
 گروه تشخیص داد. در عرصه وظایف شوریک، گروه
 دچار استروی بوده است و بخصوص در مبارزه
 ایدئولوژیک به مثابه عرصه مهمی از مبارزه
 طبقاتی دچار کم کاری بوده است. کنگره حرکت
 مستقل گذشته را مورد نقد قرار داد و آنرا فاقد
 حقانیت ایدئولوژیک سیاسی ارزیابی نمود.
 رفقای کنگره با به زیر انتقاد کشیدن مضمون
 خرد کارخانه فعالیت گذشته، وحدت و مبارزه
 در جهت وحدت را وظیفه مخوری گروه تعیین
 نمودند.

۳ - در زمینه چشم انداز آینده، گروه به بررسی
 وحدت نظر خود با نیروهای سیاسی پرداخت.
 از آنجا که ما در ارتباطات پراکنده تا حدی در
 جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی سازمان
 پیکار بودیم، و همچنین با اطلاع از نتایج کنگره
 رفقا، در باب فتنه کنگره با برخورد به انحرافات
 راستروانه گذشته سازمان، به دستان وردهای نویسی
 رسیده است. کنگره با متفق القول دستان وردهای
 کنگره رفقا در برخورد به انحرافات گذشته،
 مواضع سیاسی و وظایف آینده را مثبت و درخشان
 ارزیابی نمود. انطباق بسیار نزدیک مواضع
 ما و دستان وردهای سازمان پیکار از یک طرف و
 مبارزه اصولی این رفقا در جهت برخورد به
 گذشته و ارتقاء جنبش کمونیستی از طرف دیگر،
 سبب گردید که کنگره، وحدت سریع و بلا درنگ را با
 سازمان پیکار در دستور کار قرار دهد. همگی رفقا
 تقویت این جریان ایدئولوژیک را وظیفه
 نیروهای راستین کمونیستی دانسته و حرکت آینده

۱ - کنگره با بررسی موقعیت عینی جنبش
 کمونیستی، تشتت و پراکندگی را عرصه دوران
 پیش از حزب تلقی نمود و مبارزه در راه ایجاد
 حزب طبقه کارگر را وظیفه مبرم کمونیست ها دانست.
 در این راستا که وحدت هر چه بیشتر مضمون
 کمونیست ها را موشی در پا سخگویی به
 ضروریات دوران تدارک حزب خواهد بود. از همین
 رو نیروهایی که در اصول برنامه ای (مبانی
 وحدت) وحدت نظر دارند، با بدفعه لانه در جهت
 وحدت تشکیلاتی خویش گام بردارند. در غیر
 این صورت مبارزه ایدئولوژیک حول اصول برنامه
 - ای و بخصوص بر علیه نزولات رویزیونیستی
 پیش شرط ضروری برای تحقق وحدت مضمون
 کمونیست ها با بدتلقی گردد. بوجه عنوان وظیفه -
 ای محوری در دستور کار قرار گیرد.

بر این اساس کنگره معیار وحدت زیر را بر
 پایه مرز بندی با دیدگاه تعیین نمود. نخست
 مرز بندی با دیدگاه های اشتراکی که صرفا وحدت
 تشکیلاتی را مورد نظر قرار میدهد و مرز بندی
 با دیدگاه های سکتاریستی و وحدت مطلق که سطح
 رشد جنبش را نا دیده میگیرد بنا بر این معیارها
 مبتنی بر دستان وردهای جنبش کمونیستی و مرز -
 بندی با انحرافات رویزیونیستی و تروتسکیستی
 مشخص گردید:

۱ - مرز بندی قاطع علیه رویزیونیسم و دیگر
 انحرافات ایدئولوژیک با اعتقاد به اینکه:
 الف: غلبه رویزیونیسم خرو شجفی، بر حزب
 و دولت شوروی، در سیاست به سرنگونی دیکتاتوری
 پرولتاریا و حاکمیت دیکتاتوری بورژوازی و
 در اقتصاد به احیای سرمایه داری منجر گردید، لذا
 کشور شوروی سوسیالیستی به روسیه سوسیال
 امپریالیستی تبدیل گشته است.

ب: تز "سه جهان" ارتجاعی و رویزیونیستی
 است با اعتقاد به اینکه رویزیونیسم بر حزب
 و دولت چین غلبه یافته است و بواسطه آن حاکمیت
 بورژوازی برجین چیره گشته است.

ج: تروتسکیسم خطری است جدی برای جنبش
 کمونیستی ایران

۲ - اعتقاد به ایجاد حزب طبقه کارگر به عنوان
 محوری ترین و مبرم ترین وظیفه کمونیست ها

۳ - اعتقاد به اینکه رژیم جمهوری اسلامی،
 ارتجاعی بوده و مبارزات انقلابی کمونیست ها

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

مغوف خویش از فرم مسم و تنزل زلات رویزونیستی، برای مبارزه‌ی ایران بر علیه رویزونیسم جهانی، برای برافراشتن پرچم طفرنم—مون—ما رکیسم— لتینیم برای تحقق هژمونی پرولتا ریا بر جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی توده‌ها، برای تقویت و استحکام انترناسیونال— ایسم پرولتری یک دنیا کار لازم است.

پس، دست بکار شویم رفقا! وظایف آینده و چشم انداز نوید بخش آن، مبارزه‌ی بی‌آمان و خستگی‌ناپذیر را از ما مطالبه، بگویشم شایستگی رسلتی را که تا ریخ بردوش ما گذارده است داشته باشیم.

بگویشم حرکات هدفمند خویش را در راستای ایجاد حزبی رزمنده که ادا مدهنده بلشویسم باشد از زمان دهیم بگویشم همیشه مصالح دراز— مدت و آرمانهای کبیر پرولتا ریا را فراتر از هر چیز قرار دهیم.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیکی پیگیر و هدفمند برای سلامت و وحدت جنبش کمونیستی! پیش بسوی وحدت صفوف کمونیستها! پیش بسوی پاسخگویی به جنبش اعلا یا بنده طبقه کارگر و توده‌ها! پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران! "انقلابیون آزادی طبقه کارگر"

۵۹/۷/۱۰

بقیه از صفحه ۱۲ وظایف...

زیر کمیته‌های قابلیت‌های سیاسی و تبلیغی بوده و با ذوق و خلاق باشند.

ب— کمیته ادا مدهنده متشکل از رفقای خواهی بود که قدرت ارتباط گیری توده‌ای و توانا نشی رهبری سازماندهی رفقای زیر کمیته را داشته باشند. در این کمیته رفقای که توانایی‌های مشخصی در زمینه‌های پزشکی و... دارند، سازماندهی میگردند.

ج— کمیته تشکیلات— ویژگی این کمیته در قدرت سازماندهی توده‌ای، هدایت تشکیلاتی و قدرت رهبری مبارزات توده‌ای آنست.

د— کمیته هماهنگی متشکل از ارشدهای کمیته— ها میباشند که در صورت لزوم با یستی یکی از رفقای با تجربه تشکیلاتی در هدایت جمع شرکت نماید. این کمیته هم‌نظر که گفتیم نقش رهبری و هدایت عمومی کمیته‌ها را در راست و خطوط اساسی فعالیت کمیته‌ها یا بدستوسط آن داده شود. چند نکته مهم:

۱— در سازمان گیری با توارگان و سازماندهی آنان با یستی استخوان بندی کارما را سازماندهی توده‌های زحمتکش و کارگردانان و توارگان (در عین جند کردن کامل صفوف آنان از بقیه توارگان) تشکیل میدهد. بدیهی است شرط مهم را دیالیزه کردن مبارزات آنان نیز همین است.

۲— از کلیه رفقا خواسته شود که در اجرای طرح فوق، برخوردی خلاق و منطبق با شرایط منطقه نموده و در ارتقاء آن بکوشند و در همین رابطه تجارب حاصله را برای ما ارسال دارند.

آنکه مبتنی بر قانونیتمندی و ضرورت جنبش نبود، نتوانست در جهت ارتقاء جنبش کمونیستی آنگونه که باید موثر باشد.

رفقا، حرکت خود بخودی غالب بر گروه‌ها و عدم حرکت از ضرورت کل جنبش کمونیستی، تنها به شکل ما محدود نبوده است. امروز اگر چه درک وحدت صفوف کمونیستها و حرکت بسوی وحدت عمیق تر گشته است و تلاشهای موثری در این جهت صورت پذیرفته است اما همچنان جنبش از حرکتی نقشه مند در جهت ضروریات دوران تدارک ایجاد حزب محروم میباشند. اینک دیگر زمان آن نیست که با بیان ضرورت اکتفا نما شیم با دکام عملی برداشت.

اولا نیروهایی که در اصول برنامهای خود مرز بندی اساسی ندارند یا بدفعالانه در جهت وحدت تشکیلاتی خویش اقدام نمائند، هرگونه تعلل بهر بهانه و توجیهی محکوم به شکست خواهد بود.

ثانیا همه نیروهای کمونیستی با بدبیا تدقیق خطوط اختلاف خویش مبارزه ایدئولوژیک فعالی را بطور هدفمند حول اصول برنامه‌های سازمان دهند. مبارزه ایدئولوژیک را با بدبیا پیش از پیش از حالت خود بخودی خارج کرد و به شکل نقشه مند و متمرکز انجام داد.

ما با چنین درکی از وحدت و اعتقاد بدیده ایجاد حزب طبقه کارگر بر مبنای تریس و محوری ترین وظیفه کمونیستها بسوی وحدت گام برداشته ایم. از دیدگاه ما، وحدت ما و رفقای بیکار حلقه‌ای از وحدت صفوف کمونیستها و گامی کوچک در جهت تدارک ضروریات ایجاد حزب می باشد.

رفقا!

در مقابل جنبش کمونیستی ایران وظایف سنگینی و تاریخی قرار دارد. امروز اگر چه غلبه رویزونیسم بر نهضت کارگری جهان مغفوف جنبش کمونیستی جهان را در اجا رتشت و پراکندگی گردانیده است، امروز اگر چه با یگانه‌های نیرومند رویزونیسم و کارگران مستقیم و غیر مستقیمشان هر جنبش نوپای کمونیستی را مورد تهاجم ایدئولوژیک قرار میدهند، امروز اگر چه جنبش کمونیستی جوان ما با بدوش کشیدن عوارض انحرافات گذشته‌های ازلطه رویزونیسم، مراحل اولیه خویش را میگذرانند... اما بحران گفونی جهان امپریالیستی رشد و گسترش اوضاع انقلابی را نوید میدهد و در این میان، حدت یابی تافته‌های جامعه و روروند روبه رشد مبارزه طبقه کارگر، موقعیت خاص و بر— جسته‌ای به کشور ما و جنبش توده‌ای آن و بسویژه پرولتا ریای ایران میدهد. موقعیت و جایگاهی که چشم انداز سرخ با شکوهی را نوید میدهد، چشم اندازی که مبارزه‌ی بی‌آمان را از ما مطالبه. آری، برای غلبه بر ضعفها و نا ایشیهای خویش برای متحد و متشکل گردانیدن پیشروان طبقه کارگر در حزبی نیرومند، برای پایایی

رئسای گروه— پس دهقانی، مادره زمین و تشکیل شورای دهقانی شرکت فعال داشتند.

گروه در منطقه "سا و جیلاخ" علاوه بر فعالیت در میان کارگران، شکل دانش آموزان مبارزو بدنبال آن تشکیلات هوا را سازمان داد. این رفقا در پیوند جنبش دانش آموزی با زحمت— کشان فعالیت گسترده و خستگی‌ناپذیری داشتند.

در رشت و چند منطقه دیگر گیلان و همچنین تبریز، رفقای گروه پیوند گسترده‌ای با زحمتکشان ایجاد کرده بودند.

در مورد نشریات، علاوه بر برخی نشریات فابریک، گروه کارگری "صدای انقلاب" و نشریه دانش آموزی "ندای انقلاب" را منتشر می نمود.

رفقا! رزمندگان کمونیست!

در شرایط حساس کنونی، جمع بندی عملکرد گذشته ما، برخورد به ضعفها و انحرافات ما، فاسد سلامت حرکت آینده ما است. جنبش کمونیستی راهی کوتاه پیموده است و راهی دراز در پیش دارد.

گذشته را با بدتوشه آینده سازیم. شکل ما بمنا به بخش کوچکی از بیکر جنبش کمونیستی ایران، حرکت گذشته خویش را در تشدید بر اکنندگی جنبش، مورد انتقاد قرار میدهند. عدم حرکت فعال ما در مبارزه برای تقویت وحدت هر چه بیشتر صفوف کمونیستها و تاد کید بر حرکت مستقل، نه در خدمت پرولتا ریا، بلکه در جهت خرده کاری و پراکندگی بوده است امروز مقایسه آنچه کرده ایم و آنچه می توانستیم انجام دهیم ما را بر آن میدارد تا روح عدم رضایت از خرده کاری را که با تمام موجودا حساس می کنیم با صدای رسا اعلام داریم.

اگر چه درک ضرورت وحدت و مبارزه با خطر آن عمیق تر گشته است، اما بیان تجربه ما میتواند حداقل برای آن نیروهای کسه علیرغم نداشتن مرز بندی اساسی در جدائی خویش میگویند، موثر باشد.

آنچه در تحلیل نهایی، چنین انحرافی را در ما سبب گردید، عدم درک ما از وظایف تاریخی— مان بود. ما بجای آنکه بر اساس وظایف و مشکلات کل جنبش کمونیستی حرکت کنیم، مصالح مشکلات تشکیلات خویش را مبنای حرکت قرار میدادیم. تعمیم دادن برخی موفقیتها در عرصه‌های محدود از پرا تیک، ما را به محدود نگری سوق میداد. و با وسع وظایف سنگین کمونیستها را نادیده می گرفتیم.

از آنجا که حرکت ما نتوانست بطور هدفمند در راستای پاسخگویی به اساسی ترین ضرورت جنبش باشد، از آنجا که نتوانستیم هر حرکت خویش را در جهت تدارک ایجاد حزب، آگاهانه مشخص نمائیم، و نیروهای خویش را در چهار چوب تنگ خرده کاری به بند کشیدیم. فعالیت رفقای ما علیرغم تمام تلاش خستگی‌ناپذیرشان به سبب

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

و ما برین از داخل کشور و علمبر غم پیشنها دوا مزار
رفیق ما جهت کمک به آزاد ساختن ۹ نفر از اعضای
سازمان مهادین که پس از عملیات آزاد سازی
بوسیله هواپیما در زندان عراق، تحت
تکلیف بودند و حتی امکان داشت به ایران تحویل
داده شوند، کوچکترین کمکی به ما نکرد و به این
بها نه که اگر از سوی من اقدام می صورت گیرد،
وضع آنها بدتر میشود! خود را کنار کشید و پاسخی
به درخواستهای ما نداد!

آری، اینها تنها ما مسائلی بودند که مرز-
بندی ما را در زمینه های مختلف با آیت الله
خمینی روشن میکرد و هما نظر که قیلا اشاره کردیم
هر چند که هنوز بدلیل حاکمیت بین و تفکر

که تا کنون نخواسته اند) آرا پذیرند، اسلام
آرروز ما (و تا حد کمتری امروز) بنها (متاثر از
فلسفه علمی و ماکسیسم که بدان علاقمندی و افری
نشان می دادیم بود. درک ما از تکامل و پیدایش
انسان و از تکامل اجتماعی و دورانیهای تاریخی
آن، مبارزه طبقاتی، نقش تاریخی توده ها و
مقولات اجتماعی دیگر، همچون مقولات فلسفی
و اقتصادی درکی که ملا تقاطی و فلسفه ای از
اسلام و ماکسیسم بود را بنظر هر متفکر مونیستی،
خواه ماکسیست و خواه مسلمان به سادگی درک می
کرد. ولذا تصادفی نبود که هم ما و هم آیت الله
- خمینی در همان برخورد های اولیه متوجه
اختلاف فاحشی که با یکدیگر داشتیم شدیم. مضافا

همانطور که قیلا اشاره کردیم پذیرش قهر انقلابی و اصل آن در قبال دشمنان توده ها،
یعنی امپریالیسم و رژیم خائن و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری ما بود و
خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست انقلابی (هر چند خرد و پیروانی) بود. در
همین رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا -
خان و فرزند مزدورش محمد رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم پهلوی از سال ۴۱، آنهم در
چهار چوب یک مبارزه سالمت آمیز شروع کرد.

ما همواره روی این اصل که باید تمامی حقایق را با توده ها در میان گذاشت، تاکید
می ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. به همین خاطر هر کجا و حتی
در زندان، زیر شکنجه و میدان تیرا زنگ کردن اعتقادات و مواضعمان ابائی ندا شتیم.

التقاطی و مذهبی بر ما، قادیانیه مرز بندی
اصولی و همه جانبه با آیت الله خمینی، مواضع
و سیاستهای او نبودیم، معذرتا اختلافات خود را
با وی فراموش نکردیم و در برخورد با او و طرح
درخواستهایمان آنچنان دچار خوشبینی و
خوشگیا نی شدیم.

پیکار: ملاقات شما با آیت الله خمینی چه موقع
و توسط چه کسی صورت گرفت و چه مدت به
درازا کشید؟

رفیق روحانی: ملاقات من با آیت الله خمینی
در نیمه اول بهمن ماه سال ۵۰ صورت گرفت و
همانطور که میدانید رفیق تراب هم برای شما
توضیح داده است، این اولین ملاقات و تماس
ما با آیت الله نبود. قبل از من و از نیمه دوم
سال ۴۹ به اینطرف رفیق تراب بعنوان نماینده
سازمان با رهبا آیت الله ملاقات و در باره
مسائل مختلف با ما مبرده به گفتگو پرداخته
بود. ملاقات من با آیت الله نیز در
چهار چوب همین تماسها و ملاقاتها و با هدف
بحث و گفتگو در باره مسائل مشخص و معین صورت
گرفت. اینک گفتگوتما س توسط چه کسی صورت
گرفت، این کار عموما چه در مورد من و چه در مورد
رفیق تراب، توسط آقای دعا بی که در آن دوره
از جمله مسیلتای فعال ما در خارج از کشور بود

برای آیت الله بعنوان یک مونیست مذهبی
متوجه التقاط فکری ما نیز شده بود.
در زمینه مسائل سیاسی اختلاف میان ما و
آیت الله خمینی با رز بود. همانطور که قیلا اشاره
کردیم، پذیرش قهر انقلابی و اصل آن در قبال
دشمنان توده ها، یعنی امپریالیسم و رژیم خائن
و سرسپرده شاه، از جمله باورهای اصولی و محوری
ما بود و خط مشی و سیاست ما یک خط مشی و سیاست
انقلابی (هر چند خرد و پیروانی) بود. در همین
رابطه آیت الله خمینی پس از سالها سکوت و
معاشات در برابر رژیم خون آشام رضا خان و فرزند
مزدورش محمد رضا پهلوی، مبارزه خود را با رژیم
پهلوی از سال ۴۱، آنهم در چهار چوب یک مبارزه
سالمت آمیز شروع کرد. اگر شما به مضمون و
محتوای سخنرانی ها و اعلامیه های آیت الله -
خمینی در آن دوره و حتی بعدها مراجعه کنید،
ملاحظه میکنید که او در شدیدترین نطق و اعلامیه -
های خود هرگز از نصیحت کردن و اندرز دادن به
شخص شاه و یا سران رژیمهای اسلامی چون عربستان
- سعودی، اردن، هاشمی، مغرب، تونس، پاکستان
... کوتاهی نمیکند و از آنها میخواهد تا دست از
ظلم و ستم نسبت به مردم کشورشان بردارند! علاوه
ما از یاد دهنده بودیم که همین آیت الله خمینی
در ملاقات خود با رفیق تراب حق شناس در آبان -
ماه ۴۹، علمبر غم تومیه آیت الله طالقانی

(قسمت هشتم)

پیکار: هما نظر که می دانید آیت الله خمینی در
روز چهارم تیر ماه جاری، طی سخنرانی خود
از ملاقات شما با وی (البته بدون ذکر
نام) در نجف و بعد از آقای دعا بی ضمن
سخنرانی اش به صراحت از این ملاقات در
سال ۵۰ سخن گفت. از شما میخواهیم تا
دلایل و عواملی را که موجب این ملاقات
گردیدند توضیح دهید.

رفیق روحانی: بدینال دستگیری وزدانی شدن
تعداد بسیار زیادی از اعضا و هواداران سازمان
مهادین در روز اول شهریور ماه ۵۰ و روزها و
ماههای پس از آن و در ستانه ها که آن در
پیدادگاههای رژیم آریامهری و احتشال و حتی قطعت
محکومیت اعضا رهبری و کارها به اعدام، همزمان
مجا هدا در داخل کشور طی نامه ای خواستار آن
شدند که در اینبار رهبا بر محاییل مربوط به جنبش
انقلابی ایران و اوضاع جامعه با آیت الله -
خمینی، مذاکره شود و حتی الامکان کوشش شود تا
پشتیبانی هر چند ضعیف اوضبت به مجاهدین و حمایت
از آنها و جنبش انقلابی ای که در ایران بتازگی پا -
گرفته بود، جلب گردد و در صورت موافقت
اعلامیه ای در همین زمینه از طرف آیت الله صادر
شود و این در شرایطی بود که عنا مر مختلف از
روانیت مترقی در داخل کشور، موضع حمایت -
آیت الله خمینی داشته و تنها آیت الله خمینی
بود که تا آنروز کلا ملا سکوت اختیار کرده بود.

من و همزمان دیگر که در آن هنگام در خارج
از کشور بودند، نظیر رفیق تراب حق شناس،
علمبر غم جهان بینی و تفکر التقاطی و مذهبی مان
که بهر حال و بنحوی از انحاء ما را دچار خوشبینی
نسبت به میزان پشتیبانی و حمایت آیت الله -
خمینی از مجاهدین و با مواضع آنها مینمود، با
توجه به اختلافات و مرز بندیهای مشخصی که با
مواضع سیاسی و فکری آیت الله داشتیم و همچنین
با تکیا تجربیات گذشته خودمان و مواضع و
عملکردهای او در طول سالهای گذشته، از همان
ابتدا چندان هم به نتایج ملاقات و مذاکره مان با
آیت الله خمینی خوشبین نبودیم. از نظر
ایدئولوژی، ظاهرا هم ما و هم آیت الله خمینی به
مکتب اسلام معتقد بودیم اما هر یک با برداشت
خاص خود از این مکتب برداشتی که مشخصا از
موقعیت و منافع طبقاتی هر یک از ما ناشی می -
شد. آنچه که آیت الله خمینی بدان اعتقاد داشت
بی کم و کاست همان بنیشت و تفکر اسلامی به مفهوم
واقعی خودش بود و از همین روهو از اسلام در
کلیت خود و در تمام ابعادش بطور گم دفعا ع
کرده و همچنان میکند. اما ما از اسلام برداشت
خاص خودمان را داشتیم و برداشت ما ملهم از گرایش
انقلابی ما و دفاع از منافع زحمتکشان بود.
آنچه را که ما از اسلام برداشت می کردیم، در واقع
برداشتی التقاطی و دوا لیستی بود که هر رنگ
اسلام و مذهب را داشت و هر رنگ ماکسیسم و فلسفه
علمی را.
مجا هدا چه بخوانند و چه نخواهند (والله

طبقاً نی و حاکمیت سیستمی که وی در آن نقش فعالی دارد، ایجاب میکند که همواره با تائیدش انوار آگاهی به مبارزه بر خیزد و مانع از دست یابی مردم به واقعیات جامعه گردد. بهرحال من با پیروی از همان اصلی که در بالا اشاره کردم چه از طریق توضیح شفاهی و چه از طریق در اختیار گذاشتن جزوات آموزشی سازمان نظیر "راه انبیا" و "امام حسین" کوشیدم تا مواضع ایدئولوژیک و سیاسی سازمان مجاهدین را به تفصیل برای آیت الله خمینی روشن نمایم.

آیت الله خمینی روشن نماید.

دانشگاه (اول اردیبهشت) و با کردستان معطوف شده است، به آن بی توجه بمانیم، نیا زتوده ها را مثلاً در مورد قطع سودویزه، بهیج بگیریم، طبعاً نمی توانیم رهبری مبارزه طبقاً تفسیری زتوده ها را درست بگیریم، ما باید به همه مسائل زتوده ها پاسخ بگوئیم و همه نیازهایشان را مورد بررسی قرار دهیم، تا آنکه، همه با ما را در کنار خود ببینند. در یک کلام، تبلیغات با پستی شما می تواند اساسی مبارزه طبقه ای را منعکس سازد.

در عین حال که ما با پستی همواره نشان دهیم که اساسی ترین مسئله زتوده ها چیست و تبلیغ خود را بر روی آن متمرکز کنیم، توجه نکردن به برخی مسائل زتوده ها و یا توجه به موقع نکردن جزئی توجهی به امر مبارزه طبقه ای معنای دیگری ندارد. چیزی که تا دیروز مسئله اساسی تبلیغ بود چه با افراد دیگر نباشد. فرض کنیم در روز اول مهر، مسئله اساسی تبلیغات مربوط به مبارزات دانش آموزی است. اما با حمله عراق، نیازهای اساسی تری برای زتوده ها مطرح میشود: در قبال جنگ چه باید کرد؟ آنها بدنبال این هستند که پاسخ درست را بشنوند و وظیفه کمونیستهاست که به این مسئله اساسی زتوده ها پاسخ گویند. در چنین شرایطی مسئله اساسی مورد تبلیغ دیگر تغییر میکند. اگر چه با پستی مسائل دیگر نیز مورد تبلیغ واقع شود، اما نباید این مسائل، مسئله اصلی را تحت الشعاع قرار دهد.

در اینجا با پستی پیچیدگی خاصی را درم نظر قرار داد. فرض کنیم ما مشغول تبلیغات انتخاباتی هستیم و در این ضمن رژیم، ترکمن صحرا را به خون میکشد، در اینجا مسئله درست اینست که بهای هریک را دریا فته و از آنجا که هر دو مسئله، نیا زتوده ها هستند نیروی خود را برای تبلیغ در هر دو مورد بدستی تقسیم کرد. باید در هر مقطع تاریخی اساسی ترین مسئله زتوده ها را تشخیص داد، در عین حال که برای مسائل مهم دیگر نیز با پستی نیز و گذشت. اگر تبلیغ را بر روی نیا زتوده ها متمرکز سازیم به سرنوشت هبانی فردی مبتلا میشویم که در تشیع جنازه هم به با زانندگان میگفت: خدا به کارنا ن برکت دهد و هر چه ببرد تمام نشود. حال آنکه مردم نیا زبیه تسلیم شدن داشتند!

توجه این انفعال خود، به امات بی پایه و بی مایه و مثالهای عوام فریبانه ای نظیر "عالم همدانی و آن مردیهودی دست بزنند!"

من در توضیحات بعدی خودم و در پاسخ به این سؤال شما به این نکته خواهم پرداخت که درست بعکس، این آیت الله خمینی بود که چه در همان زمان ملاقات ما و چه امروزه حاضر نبوده و نیست که حقایق امر بر مردم روشن شود. چرا که در برتو این حقایق دیگر جایی برای حکومت "ولایت فقیه" باقی نمی ماند و از همین رو منافع

بقیه از صفحه ۴ خطرات...

۱- فرماندهان و سران مزدور (که البته اکنون دیگر نیا بودند و اندو وجود ندارند!)

۲- پرسنل انقلابی و کسانی که به انقلاب مومن هستند.

۳- کسانی که نسبت به همه چیز بی اعتنا هستند و اگر اینها را انقلابی کنیم، دیگر ارتش ما مردمی و خلقی میشود!

سخنران با کمال مهارت مسائل را با هم قاطی میکرد و نتیجه میگرفت. او این واقعیت را پنهان میکرد که ارتش یک سیستم است و خوبی و بدی این سیستم از روی عملکردهای آن قضاوت می شود و اینکه در خدمت چه نظامی قرار دارد و در راه چه هدفی بکار میرود. او سعی میکرد بگوید که اگر تک تک سربازها و درجه داران خوب باشند ارتش خلقی خواهد شد. درست مثل آنکه بگوئیم چون در زمان شاه اکثریت ارتش از فرزندان زمینکنان تشکیل میشد پس دستگاهی بود خدمت زمینکنان!

بعد از سخنرانی با سری سنگین به آسایشگاه برگشتم به چهره های سربازان مینگریستم. و اینکه چگونه سعی میشود با اینگونه تبلیغات با صلاحت آنها را از بی اعتنائی بدر آورند به معنای واقعی، یعنی آنکه در دل آنها آن آتش کینه بی پایه را نسبت به برادران گردشان برافروزند. و آنها را بدشمنی با خلق کرد و دارند حال آنکه شب و روز از مبارزه بر علیه امریکا و عراق دم میزنند!

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

"ما باید فکر اشامی را که فقط از شرایط موجود در دانشگاه های ویا فقط از زمینها و غیره نا راضی هستند، به پوچ و بیسی مصرف بودن تمام این نظام سیاسی سوق دهیم". (۳)

بدین ترتیب شناخت ما رگبستی اصلی ترین نیا زتوده ها و متمرکز کردن تبلیغ بر روی آن، بسیار حائز اهمیت است. اگر ما نیکه نیا زتوده ها مثلاً پاسخ روشن بده مسئله جنگ ایران و عراق است، از پاسخ روشن و صریح به آن سر باز زنیم و یا زما نیکه نیا زتوده ها شرکت در قیام است، در مورد مسئله دیگری سخن بگوئیم و یا زما نیکه توجه زتوده ها به مسائل ما ننشود و یا

و امروز خود را وقف خدا انقلاب کرده است، صورت میگرفت. ملاقات ما با آیت الله طاهری جلساتی متوالی و هر بار ۱-۲ ساعت و در مجموع حدود ۱۰ ساعت بطول می انجامید. در همینجا با پستی نکتهدرا هم اما فک کنیم که این ملاقات و همچنین با بر ملاقاتهای ما با آیت الله، با توجه به نقش و موقعیت اجتماعی مجاهدین خلق و تائیدی که این ملاقاتها و نتایج آنها می توانست بر روی هواداران آیت الله بگذارد، نمی توانست مورد توجه آیت الله خمینی قرار نگیرد و یا از آن سادگی چشم پوشی کند.

پیکار: در سلسله ملاقاتهای که شما با آیت الله خمینی داشتید چه مسائلی مورد بحث و مذاکره شما قرار گرفت؟ ممایل محوری را همراه با توضیحات بیشتری برای ما بازگو کنید.

رفیق روحانی: روش است که طی چندین جلسه و جمعا ۱۰ ساعت مذاکره، مسائل ریز و درشت مختلفی مورد بحث قرار گرفت. شیوه کار ما چنین بود که ابتدا من مسئله مورد نظر را طرح میکردم و در باره آن توضیحات لازم را میدادم و در پایان نظر آیت الله را در باره این مسئله جویا میشدم. آیت الله نیز برخلاف آنچه که تا کنون ادعا شده که ایشان سکوت میکردند نظر خود را نسبت به یکایک این مسائل و لویه اخلاص میداد.

از نظر ما اصولی این بود که قبل از هر چیز و طرح هر گونه درخواستی، نظرات و مواضع سازمان مجاهدین را که ما نماینده آن بودیم، برای آیت الله خمینی به تفصیل توضیح دهیم تا جای هیچگونه ابهام و اشکالی در موضع گیری آیت الله نسبت به ما و یا درخواستهای ما باقی نماند. همواره از سوی خود آیت الله و ما سیرین کوشش شده است تا بمردم تلقین شود که ما قصد فریب آنها را داشته ایم و این، آنها موقیحا نه ای بیش نیست! چنین شیوه ای نه با ایدئولوژی و نه با عملکرد انقلابی ما در طی سالها ن دراز در مقابل بله با رژیم صفا ک پهلوی خوانایی نداشته ما همانطور که به کرات در بحثهای خود با آیت الله خمینی یادآور شدیم و در همین محاسبه من بدانشا خواهم پرداخت.

ما همواره روی این اصل که با بدشامی حقایق را با زتوده ها در میان گذاشت تا کید می و ورزیدیم. ما چیزی برای پنهان کردن از کسی نداشتیم. بعکس ما در هر کجا و حتی در زندان، زیر شکنجه و میدان تیراز بازگو کردن اعتقادات و مواضعمان را با پستی نداشتیم. حال اگر آیت الله خمینی و سرمداران حزب جمهوری اسلامی نسبت به گذشته خود چنین احساسی دارند این دیگر ما مربوط نمیشود. این خود آنها هستند که باید به زتوده ها پاسخ دهند که چرا باید در برابر جوانانی که سن آنها حداکثر به ۳۰ سال میرسد و به اقرا صریح خود آیت الله و ما سیرین به قرآن و نهج البلاغه آشنا تر و مسلط تر از آنها بودند این همه دچار عجز و انفعال شوند و بدتر از آن در

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

۲

بند ربح به ساخت و پاخت با رژیم جدید و معا له با آن منجر شد تا سید رکش و قوس با - ر س های سیاسی موجود، زمانی با کمونیستها علیه احزاب دیگر زمانی با احزاب دیگر علیه کمونیستها متحد میشد.

رویزیونیستها که بتدریج تسلط خود را بر رهبری حزب تحکیم میکردند، بر سر: برای عدم کمونیستها و نیروهای دموکرات عراق توسط رژیم در برابر تسلط عناصر ارتجاعی بر مواضع حسان کشور مخصوص ارتش، در برابر سرنوشت جدید گرفتن حقوق ملی خلق کرد با یوزواری حاکم سازش کردند. رویزیونیستها شرایطی که برای کمونیستها جهت بدست گرفتن قدرت فراهم بود، نادیده گرفتند و به توده ها که می گفتند: "حزب کمونیست باید قدرت سیاسی را بدست گیرد" پاسخ مثبت نمی دادند. آنها در پی دست یافتن به برخی از خواسته های جزئی و اصلاح طلبانه بودند. گفته میشود که رویزیونیست های عراقی برای آنکه به دولت فشار برسانند و رند که آنها را در کارکام شرکت دهد از تشکیلات سری خود در ارتش خواستند که به "شورای انقلاب" نامه نوشته و از آن چنین درخواستی را بشمار بند و همگی آنرا امضا نمایند. بدین ترتیب نام مرید ۵۰۰ نفر از تشکیلات نظامی حزب برای دولت لورفت و در نتیجه آنها اخراج و یا به زندان افتادند!

خط مشی رویزیونیستی، فرصت طلبانه و اصلاح طلبانه حاکم بر حزب در کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳، نیز سازش را بر مبرار رژیم ترجیح داد. او - کودتا - همان طور که در مقالات قبل گفته ایم، مشارکت اساسی بعثتها و طرفداران ناصر پیوست و موجب گشتار فوجیه کمونیستها و - های دموکرات عراقی شد. توده های حزب - به تسلیم نبودند و چند ماه پس از کودتا یعنی در سوم ژوئیه همان سال یک شورش آزادی خواهانه و هواداران حزب در ارتش علیه رژیم شروکیگر حسن البکر - عبدالسلام عارف بوقوع پیوست که نشان دهنده زنده بودن جنبش در بین توده ها بود ولی رهبری رویزیونیستی دست از پا خطا نکرد! و شورش بنحویزینی سرکوب شد. تقریباً یک سال بعد یعنی در ژوئیه ۱۹۶۴ حزب رویزیونیست عراق علناً حمایت خود را از رژیم عارف که مسبب آن همه جنایات فاشیستی علیه توده های خلق و

در ادا می نمایند که هر یک جنبه های از جوانب حیات اقتصادی و سیاسی عراق را مورد بحث قرار میداد. در شمار گذشته از ظهور جنبش کارگری و کمونیستی و سهمی که این جنبش در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلفهای عراق ایفا کرده است، با اختصار سخن گفتیم. لازم است خاطر نشان کنیم که بدلیل کمبود مدارک تحلیلی و تحقیقی مورد نظر و نیز محدود بودن صفحات پیکار این مقالات آنطور که نیاز است منظور ما را بر نمی آورد ولی آنرا بعنوان یک مدخل و فتح باب مفید تشخیص داده ایم. اینک ادا می بحث عمده پیش را میخوانند:

تا سال ۱۹۵۸ رژیم سلطنتی در عراق واژگون شد کمونیستها همراه با دیگر نیروهای انقلابی و دموکرات به مبارزه علیه امپریالیسم انگلیس و رژیم دست نشانده و تحت حمایت آن ادا می میدهند. کارگران و توده های زحمتکش شهرها و دهات را سازماندهی میکنند و نقش حساس و تعیین کننده ای در اعتصابات و تظاهرات ای ایفا می نمایند. مثلاً در اکتبر ۱۹۵۲ سیاسی مترقی عراق "از دولت خواستند که تائید انتخابات را تغییر دهد و بجای انتخابات غیر مستقیم، سیستم انتخاباتی مستقیم را برقرار کند. این احزاب همچنین خواستار لغو پیمان مشترک عراق و انگلیس و بدین پیمان دفاعی مشترک و ملی کردن صنعت نفت (تحت نام شرکت خرمه مدق) شدند" ولی دولت، حاضر به قبول این خواسته نشد. در روز ۲۲ نوامبر همان به اوج رسید زیرا حدود ۲۰ هزار نفر که بیشتر دانشجویان و پادشاهای گوناگون مسلح بودند، به نما پشای خیابانی پرداختند و دست به تازیانی اموال آمریکا شپها و انگلیسی ها زدند" (۱) کمونیستها در عین مشارکت فعالانه در این قیام به سازماندهی تشکیلات دانشجویان، زنان، اتحادیه دموکراتیک جوانان و اتحادیه های کشاورزان پرداخته و اعتصاب سیاسی کارگران را در پیگاه "حبا نیه" رهبری نمودند. کمونیستها در بین ارتش نیز تشکیلاتی قابل توجه بوجود آوردند.

در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ که با کودتای عبدالکریم قاسم رژیم سلطنتی واژگون شد، کمونیستها از چنان قدرت توده ای برخوردار نبودند که رژیم جدید به هیچ وجه نمی توانست آنها را نادیده بگیرد. گرایش های رویزیونیستی که از ۱۹۵۶ بعد در داخل حزب کمونیست عراق نیز رخنه کرده بود

(۱) نقل قولها از کتاب درخا ورمیانه چه گذشت؟ صفحه ۲۷۷

کمونیستها بودا براداشت وطنی بیانیته خود بر نامه های اقتصادی رژیم عارف را "گامی در راه سوسیالیسم" نامید! با صدور این بیانیته رهبری حزب که تحت فشار توده های تشکیلاتی پس از کودتای عارف (سال ۶۳) مجبور شده بود خط مشی سرنگونی رژیم را به روشی "ممكن" تصویر کند، راه خود را بیش از پیش از توده ها جدا کرد و این موجب اولین انشعاب در درون حزب گردید.

پیش از این انشعاب، برخی از اعضا، حزب را رها کرده و برخی دیگر با اتحادیونی منفعل در حزب مانده بودند. انشعاب تحت نام حزب کمونیست عراق - کمینه انقلابی "مورث گرفت" این انشعاب عمدتاً با فرستادن خبری حزب مرزبندی میکرد و با موضوعات در قبایل یوزواری و حاکمیت آن مرزبندی می نمود. مسائل مورد اختلاف دیگر عبارت بود از: توده های بیشتر در مبارزه و مسائل متعدد ملی و انترناسیونالیستی. این انشعاب همچنین نشان داد که حل اختلافات درون حزبی از طریق دموکراتیک درون تشکیلاتی عملی نیست و بوروکراسی بر سر راه کارگانی حزب حاکمیت یافته است.

اما این انشعاب علیرغم جنبه های انقلابی و مترقیانه آن تا حدودی دارای جنبه خود بخودی بوده، با رویزیونیسم مرزبندی نداشت و بر نامه سیاسی روشنی را در رابطه با طبقه کارگر و جنبش دموکراتیک ارائه ننمود. اینگونه ضعفها موجب شد که به مسائل شورویک کم بها داده شود، خرده - کاری و پراکنده کاری و لپی را لیسیم در تشکیلات عمومیت یابد. جاسوسان رژیم به داخل تشکیلات رخنه کنند و برخی از افراد را به دست افتند و به جنبش ضربه های سخت وارد آوردند.

مبارزه ایدئولوژیک درون این تشکیلات (ج.ک.ع. کمینه انقلابی) در شرایطی که جنبش کمونیستی از جهت هم از سوی رژیم حاکم و هم از جانب خیانتکاران رویزیونیستها در معرض ضربات دردناک قرار داشت، ادا می یافت و رهبری مورد انتقاد شدید قرار گرفت و سرانجام در سال ۶۷ با بمفیه عنا صرفت طلب، درون "کمینه انقلابی" "حزب کمونیست عراق فرماندهی مرکزی" بوجود آمد. ارائه بر نامه سیاسی روشن تر، مرزبندی با رویزیونیسم، جهتگیری به سمت فعالیتها ی توده ای و پیوند با جنبش طبقه کارگر و تلفیق کار مخفی و علنی را در دستور کار گذاشتن از ویژگیهای تشکیلات جدید بود. حزب در مورد جنبش ملی عربی و مساله حمایت از جنبش مقاومت فلسطین و همچنین مسئله حقوق ملی خلق کرد نیز بیطوری مشخصتری موضعگیری کرد.

گروه های دیگری که پس از این انشعابات در بین اعضای سابق حزب بوجود آمدند یکی

بقیه در صفحه ۸

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!



جواب

جمهوری دمکراتیک خلق را تبلیغ میکنیم؟

رفقای بسیاری از ما پرسیده اند که چرا ما شعار "برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق" را تبلیغ میکنیم؟ یا این شعار در این شرایط با ذهنیت توده ها منطبق است؟ یا طرح آن چپروانه نیست؟

در پاسخ باید گفت که این شعارها در شرایط گوناگون نقشهای متفاوتی را ایفا میکنند. شعار ترویجی با شعار تبلیغی و شعار رهنمودی و این آخری با شعار رهنمود عملی تفاوت دارد. هر کدام از آنها در شرایط خاصی از جنبش میتوان نمودن نقش متفاوتی ایفا کنند. فی المثل در دوران رکود جنبش درسا لیسان گذشته، شعار سرنگونی رژیم شاه یک شعار ترویجی بود و نمیتوانست یک شعار تبلیغی گسترده باشد و طبیعاً این شعار نمیتوانست در اعلامیه های تبلیغی - توده ای نقش پررنگ داشته باشد. اما در دوران آغاز انقلابی جا معما که در آن نظرات و مبارزات توده ها با لاکرنت در موقعی که مردم خفته بیدار میشوند و شور انقلابی در آنان فروزی میگرفت، در این شرایط شعار سرنگونی رژیم به یک شعار تبلیغی گسترده بدل گشته بود و ما آنرا میتوانستیم در سطح وسیع ترین توده ها تبلیغ نمائیم. در شرایطی که انقلابی پدیدار روبه اوج بود و بتدریج موقعیت انقلابی پدیدار میگشت، شعار سرنگونی رژیم، به یک شعار رهنمودی تبدیل شده بود، دیگر در نظرات گسترده و توده ای نمیتوانستیم توده ها را حول این شعار به تهييج و حرکت درآوریم و آنها را بسیج نمائیم. در دوران موقعیت انقلابی شعار سرنگونی رژیم دیگر یک شعار عملی بدل گشته بود، موقعیت انقلابی برقرار بود و سرنگونی رژیم شاه امری عملی بود که با پدیده تدارک و سازماندهی توده ها برای به اجرا درآوردن آن اقدام مینمودیم و در همین رابطه تبلیغ مسلحانه در دستورات قرار میگرفت. لنین در برخورد به انقلاب اکتبر می گوید: "اگر چند روز دیرتر رهنمود قیام را برای سرنگونی رژیم بورژوازی طرح می نمودیم، بقینا انقلاب شکست میخورد". چنین است که اگر نتوانیم، انواع شعارها را درک نموده و هر کدام از آنها را در شرایط مساعدش بکار ببریم میتوانیم به انحرافات رشیستی یا اکونومیستی در غلطی فی المثل تبلیغ مسلحانه در دوران رکود جنبش توده ها، آنرا رشیسم و ماجراجویی محض است و ناگزیر گروه تبلیغ کننده را به دسته جدا از توده بدل مینماید، چنانکه این امر مثلاً در مورد

چریکهای فدائی در دوران رژیم شاه مادی بود. همچنین در دوران موقعیت انقلابی حاکم بهر جا معما، عدم تبلیغ مبارزه مسلحانه و محدود نگاه داشتن مبارزه و شعارها در سطح اقتصادی و سیاسی در حالیکه توده ها فرسنگها از آن جلوتر میباشند، حرکتی اکونومیستی و عقب مانده است. همانگونه که این انحرافات را ما در اکثر نیروهای خط ۳ در زمان قیام شاهد بودیم. در مورد شعار جمهوری دمکراتیک خلق، باید بگوئیم که در شرایط افت و رکود جنبش این شعار جنبه ترویجی دارد، اما در شرایط اعتلا جنبش که توده ها دارای روحیه سیاسی هستند و با فروریختن توهمنان از رژیم جمهوری اسلامی، بدنبال آلترنا تیف دیگری میگردند، سی شک تبلیغ آلترنا تیف و شعار جمهوری دمکراتیک خلق از وظایف محوری - ل هاست و برخلاف درک رفقای چریکهای فدائی (اقلیت) نه تنها این امر چپ روی نبوده، بلکه برخورد عملی نسبت به شرایط موجود (اعتلا انقلابی و روحیه سیاسی توده ها) میباشد. ضرورت تبلیغ این شعار هم اکنون جزو برنامه سیاسی کمونیست هاست. عدم تبلیغ این شعار امری اکونومیستی بوده و در شرایطی که توهمن توده ها بصورت گسترده فرو میریزد، عدم ارائه و تبلیغ این آلترنا تیف برای ارتقاء آنها امری راستروانه محسوب میگردد. بدین لحاظ تبلیغ این شعار در چنین شرایطی بصورت بسیار گسترده و تبلیغی، بگانه شعار صریحی است که میتواند مبارزات طبقه و توده ها را در رابطه با برنامه سیاسی کمونیستها ارتقاء دهد.

رفقای "هسته تلاش" در اصفهان

تا به شما به همراه کارگران نقدرتان بدستمان رسید! رفقا! از اینکه دست به جمع آوری مقالات پیکار مربوط به لهستان و چاپ آن به صورت جزوه زده اید، جای بسی خوشحالی و امیدواری است. با اینهمه ذکر چند نکته را در رابطه با رهنمودهایی که خواسته بودید، لازم می دانیم:

۱ - رفقا! اگر منظم بیک تشکیلات وظیفه - ل هاست. چه بدین طریق از خرده کاری، اتلاف انرژی و پراکنده کاری جلوگیری میشود. تشکیلات پیگیر - ل که دارای تئوری، برنامه، سیاست، رهنمود، تقسیم کار درونی، سلسله وظایف متعدد و پیچیده و دارای ارگانهای گوناگون است، هم در عرصه سیاست و هم در عمل بهتر میتواند از هسته های کوچک و محدود که فاقد شرایط نامبرده است، فعالیت نماید. وظیفه هسته های - ل که در ارتباط تشکیلاتی قرار ندارند، اینست که هر چه زودتر در رابطه با رهآیدولوژیک فعال و مزیندی با انحرافات درون جنبش کمونیستی با پیگیرترین جریان جنبش کمونیستی ارتباط برقرار نمایند.

۲ - رفقا! درست است که انتشار مقالات مربوط به لهستان توسط شما تا شبر خوبی در تبلیغ و ترویج وظایف سازمان دارد، ولی انتشار نوشته های ترویجی بصورت جزوه، اگر مدتی هم

از آن بگذرد چندان کهنه نمیشود، در حالیکه نوشته ها، اعلامیه ها و مهمتر از همه خود نشریه پیکار که ارگان تبلیغی - سیاسی است، اگر یک هفته از آن بگذرد کهنه میشود. از اینرو رفقای هوادار با یستی در درجه اول به تکثیر و توزیع سریع اعلامیه ها، تراکت ها و پیکار ویا قسمتهای آن اقدام کنند و بتوانند در این فعالیت تبلیغی که به مراتب گسترده تر از ترویج است و با بد منتظم تر و سریعتر صورت گیرد، سازمان را یاری رسانند و بویژه که در شرایط خفان فعلی همراه با محدودیتهای چاپی، مالی و توزیع، میدان تبلیغ ما علیرغم جنبه محوری آن محدود گردیده است.

۳ - از جمله فعالیتهای دیگری که شما میتوانی انجام دهید، الف - انتشار اعلامیه های محلی بنام هواداران است که بدین ترتیب در منطقه خود، حضور مادی خویش را نشان داده و بتوانید، در تبلیغ و ترویج و سازماندهی و هدایت مبارزات توده ای منطقه موثر واقع شوید.

ب - در کنار تکثیر و توزیع اعلامیه های تبلیغی، تراکت ویا قسمتهای از پیکار، بزرگ نویسی مطالب کوتاه پیکار و تراکتها، شعار نویسی و... از جمله فعالیتهای تبلیغی است که بویژه در این شرایط نقش برجسته ای در تبلیغ دارد.

ج - ارسال اخبار و گزارشات و... از مبارزات طبقه کارگر و توده ها برای پیکار از دیگر وظایف مهمی است که شما میتوانی انجام دهید.

۴ - شرکت فعال در مبارزات روزمره توده ها، ایجاد هسته های کمونیستی در میان آنان، تلاش در جهت رهبری تشکلات توده ای و... از جمله وظایف کمونیستهاست. در کارخانجات و موسساتی که تا مبرده اید یا جلا هسته های کمونیستی، تبلیغ و ترویج مواضع سازمان، بخش هر چه بیشتر پیکار در آن موسسات، کمک دیگری است که شما میتوانید در آنرا مان پیروان را انجام دهید.

۵ - جمع آوری و ارسال کمک های مادی یکی از وظایف مهم دیگری است که شما میتوانی پیگیرانه در آن اقدام نمائید. بویژه در شرایط فعلی که سازمان از نظر مالی در مضیق است، این امر از ضرورت بیشتری برخوردار است. دست آخر رهنمودهای عملی مشخص و وظایفی که با پدیدان پرداخت را میتوانی از طرفی با برقراری ارتباط تشکیلاتی با رفقای سازمانی ما در آنجا و همچنین از طریق صفات (وظایف عملی ما، رهنمودیه هواداران و یا سخنی با رفقا و... بطور مرتب دریا فت کنید.

رفقا! منتظر انتقادات و پیشنهادات و نامه های دیگران هستیم!

پیروز باشید

نامه یک رفیق کلر که به سازمان

اخیرا نامه ای از طرف یک رفیق کارگر بدست ما رسیده که ما بدلیل اهمیت آن قسمتهای از نامه را با برخی توضیحات جزئی انشائی در

بقیه در صفحه ۲۲

ملاحظات کوتاه

خودشویبار، اسمشونیار!

قضیه تجدید را بطه با "شیطان بزرگ" وحل مساله ای بنا م "گروگانها" که روی دست رژیم باد کرده است بجای های "هیجان انگیز" خود رسیده است. "ول میکنیم"، "ول نمیکنیم"، "اگر"، "مگر" و "توبه"، "تکا مل معنوی آمریکا"، "قطعات بدکی"، "غلطی شمیوات ندبکند"، و جز اینها در فضا طنین انداز است ولی در باطن، چون در این نظام اقتصادی سرما پیداری و بسته چاره ای برای رژیم جمهوری اسلامی جز تجدید را بطه با میریای لیستها وجود ندارد، عملا همان راهی را میروند که ظاهر آن را نفی میکنند. لیبرالها با دشمنان گردو می شکنند که "دیدید ما راست میگفتیم!" و... حتی آیت الله منتظری هم از عدم حضور نمایندگان مجلس برای حل و فصل قضیه گروگانها انتقاد میکند. این قضیه ای را بیاد میاورد که میگویند: خانی در سوراخ به کاروانسرا نشانی وارد شد. هوا سرد بود، پتو ولحا ف خوابت و... نداشتند. وقتی اصرار کرد، کاروانسراچی گفت: "آقا، ببخشید، پتو ولحا ف نداریم ولی جمل (بالان) داریم". خان برآشفته و او را دشنام داد. شب هوا خیلی سرد شد و خان داد کشید که پتو بیار، لعا ف بیار، و کاروانسراچی جواب داد آقا گفتم نداریم، خان گفت: "آن چیز دیگری که شرب گفتمی بیار ولی اسمش را نیار!"

سرهنگ مؤذن و "فیلمی که رژیم در آورد!"

در هفته پیش یک روضه خوانی نوع جدید بر سر "گورشن" چشمه ای سرهنگ مؤذن در تلویزیون و مطبوعات به راه افتاد، بعضی دلدار و البته شیریک (!) گفتند بعضی دیگر چشمه شان را خوا ستند به او هدیه کنند... برای او شعر گفت و یکی دیگر... جناب سرهنگ مؤذن که بقول خودش ۲۵ سال است افسار رتش بوده (یعنی از فردای ۲۸ مرداد افرشته!) و با گفتن "شهادتین" بصورت یک "حر" تمام عیار "آزاد شده، در مدح جمهوری اسلامی وفدا کاری برای اسلام و ایران خیالی در سخن داد ولی گفت که وقت در آلهای گذشته در آره و دم ارتش کار میکرد چرا نزد همکارانش قسم می خورده است که حاضر است زن و بچه اش را پیش پای شاه شاه سر ببرد! او همچنین پرده از این راز معجزه آسا که در دوران جمهوری اسلامی می تواند تفاسیق بیفتد برداشته که اگر چشمش - چنانکه میگویند - مورد ضربت ترکش بمب و خمپاره قرار گرفته

نشریه، برگزاری شما بشگا و...
۲- نقاط مثبت و نقاط ضعف کار "عمر آگاه".
۳- برخورد نیروهای سیاسی مختلف نسبت به مبارزه کارگران (موضع گیریها نشان نسبت به مبارزه، نقشان در مبارزه، همکاری آنها با یکدیگر و...)
۴- پایان مبارزه و چگونگی تمام شدن آن:
۱- عقب نشینی کارفرما و دولت و پیروزی کارگر - ان (نسبی و یا کامل در آن مقطع) یا شکست مبارزه.
۲- در صورت پیروزی، نقش عنا صرا آگاه و در به پیروزی رساندن مبارزه و تشکل کارگران.
۳- در صورت شکست، نقش عنا صرا آگاه چه بود؟
۴- نقش عنا صرو نیروهای سیاسی خاشن و سازش - کار و... در به سازش کشاندن، جلوگیری از پیروزی کامل و بیا به شکست کشاندن مبارزه.
۵- نقش ارگانهای سرکوبگر (پاداران، ارتش و...) در ورود روشی با کارگران.
۶- نقش تشکلهای زرد (انجمن اسلامی و...) در جریان مبارزه.
۷- نقش سخنرانیهای تحمیق کننده آوندها، کارفرما و مقامات دولتی در مبارزه.
۸- مشخص کردن ضرورتها و کشاکش کارگران در جریان مبارزه به آنها پی میبرد، نظیر ایجاد صندوق اعتماد، ارتباط گیری با کارگران سایر کارخانه ها برای تشکیل اتحادیه و...
۹- موضع گیری و نقش مهندسین، کارمندان و سرپرستها در جریان مبارزه کارگران.
۱۰- از چه خواسته های پشتیبانی و با کدا میک مخالفت داشته اند و چرا؟
۱۱- تا شبر موضع گیری آنها در مبارزات کارگران.
۱۲- ارزیابی از کل حرکت و جمع بندی ستا و ردهای مثبت و منفی مبارزه.
۱۳- نقاط قوت و ضعف مبارزه را در تمامی دوره آن تشریح کنید و به ویژگیهای اشاره کنید.
۱۴- ارزیابی و تحلیل از روحیات کارگران در هر دوره از مبارزه.
۱۵- در صورت شکست مبارزه، علل آن تحلیل شوند.
۱۶- مشخص کردن برخورد ها و حرکت های "چپ" و راست در هر دوره از مبارزه.
۱۷- دستاوردهای مثبت مبارزه را شرح دهید.
۱۸- تا شبر این مبارزه در حرکت های بعدی کارگران.
۱۹- نقش این مبارزه در بالا بردن آگاهیه و تشکل کارگران و نشان دادن قدرت واقعی آنها به خود آنها.
پیروزبا شید!



بقیه از صفحه ۳ پرسشنامه...

۶- جمع عمومی مبارزاتی در سطح جامع (اقتضای روطیقات مختلف):
۱- در مقطعی که این مبارزه جریان داشته جو عمومی مبارزاتی جامع (اقتضای روطیقات مختلف) چگونه بوده است؟
۲- میزان تاثیر پذیری کارگران کارخانه از جمع عمومی مبارزاتی جامع.
۳- اثر متقابل حرکت اعتراضی این کارخانه در سایر کارخانه ها و سطح جامع.
۴- تعیین ترکیب کارگران از نظر ملیتها و تا شبر مبارزات خلقهای کرد، ترکمن، عرب و... در کارخانه.
۷- در مبارزه به بخشی از کارگران پیشرو بودند و چه بخشی عقب مانده؟
۸- در مدد کارگران پیشرو، متوسط و نا آگاه در مبارزه و میزان همزونی کارگران پیشرو و چقدر بود؟
۹- ویژگیهای کارگران پیشرو و عقب مانده در مبارزه چه بود؟ (قدیمی یا جدیدی، تعلقی به قسمتهای خاص کارخانه، سطح سواد دانش، تجربه مبارزاتی و...)
۱۰- نقش کارگران زن در مبارزه چه بود؟ (دشمنانه - رو فعال و پیشرو، بی تفاوت، مخالف و...)
آیا خواسته های مستقل از کارگران مرد را هم مطرح میکردند و چگونه؟
۸- گروهبندیهای درون کارخانه و برخورد آنها به مبارزه کارگران (مثلا تفا دبیین جناح - های مختلف در درون کارخانه، متا شرا جناح - بندی درون هیات حاکمه، بین کارفرما و انجمن اسلامی، بین کارفرما و سرپرست دولتی و طرفدار - ان مدیریت سابق و...) (برخورد کارگران نسبت به آنها؟ چگونگی استفاده از تفا دهیهای درونی کارفرما و عوا ملش توسط نیروهای آگاه.
۹- نقش تشکلهای زرد و وابسته نظیر انجمن - های اسلامی، شورای زرد کارخانه، نیروی ویژه و... در جلوگیری و به انحراف کشاندن مبارزه و ورود در قرارداد کارگران.
۱۰- زمینه های موجود اختلاف بین کارگران و استفاده کارفرما از آن و برخورد عنا صر آگاه با آن.
الف: زمینه های اختلاف.
۱- با سابقه و کم سابقه.
۲- کارگران زن و مرد.
۳- ویژگیهای قومی (مثلا کارگران کرد در مقابل دیگران قرارداد و برعکس).
۴- اختلافات مذهبی و...
ب- چگونگی استفاده کارفرما و عوا مل از این اختلافات.
ج- نقش عنا صر آگاه در از بین بردن این اختلافات و مقابله با سوء استفاده کارفرما.
۱۱- نقش "عنا صر آگاه" در جریان مبارزه و تا شیرات آنها.
۱- عرصه فعالیتها و تبلیغی و شریجی عنا صر آگاه (سخنرانیهای افشاگرانه، پخش اعلامیه و

«ملاحظات کوتاه»

است، چطورا شری از خمیر لیکهاش دیده‌نی - شود و چطورا جان نفسی بر تخت سمارستان - خجراتی می‌کند که در اشراف آن جنم‌ها لیم‌هم از دیده‌سرون میرند و چگونه اگر چشم‌های زخمی است و بینا شیش را از دست داده با چشم‌بین قالمعانه می‌کند که بینا شیش را بزودی با خواهد یا ص: آن با دوره معجزات و کرامات که از محتمات تاریخی قرون وسطا در قرون بیستم هم تکرار شده است؟ شاپ!

سعدالنجور: آخرین خبر حاکی از این است که حشما نشان سیاسی خود را تا حد زیادی باز یافته است.

اگر مریض شدید، بروید زورخانه!

رو به شبید آبان بهمن است عبدغدی - فیلمی از تلویزیون بخش ندکه خیلی آموزنده! بود پیرجه مریضی که دکترها جوابش کرده اند، به کوزورخانه نرسیده می‌شود در آنجا «پهلوان» ورزش باستانی، با گفتن «با علی تفای» او را خواستار شود. همین کار را می‌کند و کودک ناگهان بر می‌خیزد و ورزش باستانی در دوره گذشته بگجور معجزه داشت و حالا هم بگجور دیگر! بهر حال فراموش نکنید، دوادرمایان اگر نیست، چه باک کبود زورخانه که هست! دانشگاه هم اگر بسته شده و بزنگ نداریم عیسی بدارد کوزورخانه که باز است، دعا کردن هم که خرجی ندارد فقط «دل پاک» می‌خواهد.

از این پدیده‌ها تعجب نکنید، خرافات عمای دست طبقات فرست و رژیم‌های شما بنده آنها است. تا بدرد آینه‌جن هم بگیریم.

باتا تصح دولتش بدمد

کاین هنوز از نتایج سحر است

آیا میدانید...

آیا میدانید که لیرال آمریکائی معروف صادق قطب - زاده که آبروشی هم پیش توده‌ها ندارد توانسته است ۴/۵ میلیون تومان برای راه انداختن روزنامه‌اش - که بنام «والیستر» قرار است منتشر شود - بول جمع کند؟ با لایره لیرال‌ها موردانکای آمریکا با ازدور خارج شدن بختیاری رومنی که از رومنی روندا این بار ولوبطور موقت، قطب زاده را می‌جسند. آقای قطب زاده پس از تلاش «بی شائبه» خود جهت آزادی گروگانهای بانکی و مصالحه‌ای که در هفته گذشته با تلویزیون ژاپن داشت مراتب ارادت خود را به ارباب طبقاتی اش یعنی امیرالینیم آمریکا نشان داده است.

بقیه در صفحه ۲۱

بود و جز سرکوب و استثمار سودرما سودداری وابسته چیزی برایشان نداشت. سارمان سارده بود چنین بود که زحمتکشان شوروی تا دم برک ارمین خود دفاع می‌کردند و اگر هم دشمن به حاشی بیای می‌گذاشت، قتلای مردم آنجا، همه جیرا را سود کرده بودند و تقاطی ویران را بدشمن می‌سپرد اما زحمتکشان خرمین را سرک کرده بودند و شهر تسلیم رژیم عراق شد، در حالیکه میلیاردها تومان کالا در خرمین وجود داشت، تقاطا و با اسالیمکرا و خرمین نه در مردم آن، کدرد دو نظام منفا و اتامنا می اجتماعی (یکسانی سوسیا لستی و دیگری سرما ده‌داری) و نیز زدردو سیاست متفاوت بود که دولت‌ها پیشان احوامی - کردند. سیاست شوروی دفاع از انقلاب جهانی و منافع زحمتکشان و نابودی فاسیسم و سناست دولت: برن حفظ سرما به داری وابسته و وحدت با امیرالینیم جهانی بوده است. آری اگر زحمتکشان خرمین مورد تجاوز امیرالینیم قرار می‌گرفتند و با جنگ عادلانه ای بر علیه امیرالینیم و ارتجاع و با برای استغفار از کامیست زحمتکشان درگیر شده بود، آنان سرخما - استالینکرا در می آفرینیدند، حال آنکه امروز صحنه را ترک می‌کوبند. و رژیم جمهوری اسلامی و روزیونیستهای خاش همدست بورژوازی را که ما هست جنگ را می یونان سودرما می‌کند و سه ضجه‌های «دفاع از زمین» دفاع ظلمان نیز وضعی نمی‌نهند.

۱- نقل از کتاب زندگی استالین
۲- زحمتکشان قهرمان سنجند نیز در زیر توب - خانه‌های رژیم جمهوری اسلامی در اردیبهشت خونین ۵۹ دلاورانه ما نند استالینکرا. دفاع و مقاومت کردند و شهر را ترک نکردند.
۳- شوروی لنین و استالین، دژ مستحکم سوسیا لیم بود. جنگ جهانی دوم در حقیقت بخاطر حمله به این دژ سوسیا لیم عا دلانه بود. در حالیکه شوروی خروچیف و برژنف، کشوری است فدخلقی، هم اینک شوروی به سوسیا لیمیرالینیم استعلا به افتخار است. ■

و سلطه امیرالینیم بر ما معما می‌پردازد. ختند. و با لایره آزادی گروگانها از یکسویا نگر قافیه تنگ آن دسته از کمونیستهای بود که همواره، و بخصوص در دوره جنگ ایران و عراق سخن از سزنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط آمریکا می‌کردند و هم اکنون نیز با بی برنسیبی و لجاجت کودکانه اصرار دارند که جناحی از رژیم راضد امیرالینیم نیست قلمداد کنند و جنگ ایران و عراق را آشکارا و غیر آشکارا جنگ عادلانه بدانند! و از دیگر سو، با نگر حقانیت مواضع نیروهای بخش پیگیر جنبش کمونیستی و از جمله سارمان ما در برخورد به واقعیت‌ها و جنگ ایران و عراق و ما هیت آن بود.

۵۹/۸/۹

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۲۴ چه تفاوتی...

استالینکرا در جری از زمین سوسیا لیتی بود. زحمتکشان اسالینکرا دهنگام دفاع از زمین، از حاکمیت زحمتکشان از سزادع اشتراکی و کارخانه‌های خودشان صاحب آن بودند دفاع می‌کردند، آنان از سوسیا لیم دفاع می - کردند. هر مزرعه اشتراکیما، به یک مرکز سز مفاومت دسته جمعی بدل شده بود و کارگران توسط شورای کارخانه‌شان اینک مسلح به سز سز بر خاسته بودند. هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان استالینکرا کشته شدند. بخشهای بزرگ و اصلی شهر ویران شد اما اسالینکرا تسلیم نشد. تلفات انسانی جنگ دوم جهانی یعنی بالغ بر ۶ میلیون نفر از میان زحمتکشان شوروی سوسیا لیتی (۳) بود اما این همه تلفات و مافات هرگز مفاومت رنجبران دلاور شوروی را است نکرد.

اما خرمین ۵۰۰۰۰ زحمتکشان ترسیده بودند، آنها دلاورانه در زمان شاه‌خاش زیر تانکها و توپها ما نند دیگر زحمتکشان ایران رزمیده بودند. آنها در یک جنگ عادلانه، حتما و حتما مانند زحمتکشان استالینکرا می‌رزمیدند. اما آنها با ترک شهرها پیشان نشان دادند که این جنگ را از آن خود نمی‌دانند. آنها شخصیت داده بودند که این جنگ عادلانه سیاستهای ارتجاعی و دولت ایران و عراق است. یکی برای صدور انقلاب و دیگری برای توسعه طلبی و در این میان امیرالینیمها هستند که با فروش سلاحها و تقویت جناحهای مورد نظر خود در این دولت‌ها، سود می‌برند. زحمتکشان خرمین، این جنگ را «ملی» و «آزادی» بخش نمی‌دانستند، چرا که جناحیات سرگوبگران رژیم را می‌شناختند. و از وحدت امیرالینیم و رژیم ایران در مقابل انقلاب نیز اطلاع داشتند آنها می‌خواستند در جهت منافع رژیم جمهوری اسلامی به گوشت دم‌توب بدل شوند، آنها این زمین را، زمین انقلابی و تحت حاکمیت انقلابیون نیز نمی‌دانستند، چرا که شیرخانسان را جمهوری اسلامی در کارخانه‌ها و مزارع می‌کند.

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله...

امیرالینیم خلقها و منطقه‌ها زور و توده‌ها و بویژه کارگران در میان رزه‌جی علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌زدانست.

آزادی گروگانها همچنین درس بزرگی بود برای توده‌ها و عتای تجربه تاریخی آنها در شناخت دوستان و دشمنان خود و در اینجا افشای ماهیت واقعی رژیم جمهوری اسلامی و متقابلا روشن شدن حقانیت نیروهای انقلابی و کمونیستی و موضع گیری های آنها.

بعلاوه آزادی گروگانها، افشاگر رژیم و روزیونیستها و سازشکارانی نیز بود که همواره و رد خدا امیرالینیم بودن رژیم را به گوش توده‌ها خوانده و خاک به چشم آنها می‌پاشیدند و با معانت از تشدید مبارزه طبقاتی و دعوت توده‌ها به سازش با رژیم، به تثبیت حاکمیت رژیم

بقیہ ا: صفحہ ۶ حشن...

وحشا نه شروع به تیراندازی به سوی مردم بیگناه شهر میکنند. در این درگیریها و خماره باران کردن شهر حدود ۲۳ نفر از مردم سقز شهید میشوند و عده زیادی نیز زخمی میشوند. در این درگیری ۲ نفر از پیشمرگان نیز شهید میگردند (۲) در ضمن درگیری پیشمرگان به کمک مردم شروع به تیراندازیهای گوناگونی میکنند و پدریکی از جانشینان را به اسم "عزیزجانی" دستگیر میکنند و با خود میبرند. نیروهای سرکوبگر وقتی میبینند که دستبایی به پیشمرگان امکان پذیر نیست بر شدت خمپاره باران نمودن شهر مبادا فرایند خونهاهای بیشتری را خراب میکنند. روز ۵۹/۷/۲۹ پیشمرگان از شهر خارج میشوند، نیروهای رژیم از طریق بلندگوها اعلام میکنند که مردم باید شهر را ترک کنند چون احتمالاً شهر باران خواهد شد (سرکوبگران در کمال وقاحت اعلام میکنند که شهر باران میکند) و حتی میبینند که مردم به بلندگوهای آنها وقتی نمی گذارند شبیه نیروهای نازی آلمان به محل تیراندازی میروند.

(۱) - قابل ذکر است که این حمله دیکرات ها
موردناشیدمان نبوده و حرکتی بوده که بدون در-
نظر گرفتن روحیه و شرایط ویژه مردم در شهر سقز
صورت گرفته است، ما اینگونه حرکات را که بدون
وحدت با روحیات و نیازهای توده های خلق کرد
صورت نمیکردن زیانبار بحال جنش مقاومت میدانیم
(۲) - پیشمرگه شهید: بعد از زخمی شدن خود را به
خانه یکی از کارگران دغانیات میرساند و را
در خانه خود ای می دهد و ولی جنا بیکاران رژیم
در خون را میگیرند و او را پیدا میکنند و صاحبخانه
اینها میخاجا اعدام میکنند.

۱ - در مقابل تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم -
لنینیسم (۲) در پیکار ۷۸، صفحه ۱۷، اشتباهی رخ داده است. گفتار "ما باید توجه داشت با شمشیر که بسیار تجربیات توده ها که اکنون کهنه و بی ارزشندو..." متعلق به پیکار است جمله استالین چیزی را میگوید یا بدخف شود! این گفتار متعلق به رفیق استالین نیست.

۲ - در مقابل سفر راجی به نیویورک در پیکار ۷۸، صفحه ۲۲، تیرتیر سوم - اعلام آمدگی دو طرف برای پایان نمایش صحیح است. درجا ب کلمه پایان اغتاده است. که با پوشش آنرا تصحیح می کنیم. زیرا همان تیرتیر با بد بصورت زیر تصحیح شود، اگرچه در شروع نمایش فقط یک کوف ... مایل داشت.

متاسفانه به علت کمبود جا حتی نتوانستیم
منتخبی از اخبار جنگ در شهرهای جنگ زده
بهاوریم. از شما میخواهیم تا اخبار جنگ را در
خبرونا به جنگ مطالعه کنید.

توده‌های ناآگاه می‌کند و از اعتماد دگور به عوامی‌ها برای قتل زاده عوام را جمع کرد و در این تظاهرات راه‌انداختند و او را "انقلابی کبیر" تصور کردند. بدین چقیقت سخن و موضع کمونیست‌ها را درک خواهند کرد. همچنین بر آن‌ها معلوم خواهد شد که چرا آقاسی قتل زاده وقتی سرپرست "مداویمی" خود و امین‌اش بود اینقدر و قیاحانه به کمونیست‌ها حجت می‌داد.

سوالی که در اینجا مطرح میشود این است
که چه کسانی امثال قطب زاده را بر کرسی اداره
امور نشاندند و آیا می توان آنها را از "گناه
شان" "قطب زاده" مبرا دانست؟

ایا میدانید که مساند "اغلاب" فرهنگی تانگون - پس از ۷ ماه - کوچکترین کاری نتوانسته است انجام دهد و برخی از اعضای ستاد معتمد ندکه دانشگاه ایدیه همان ترتیب سابق زودتر باز شود چرا که در این سیستم کار دپوگی امکان ندارد؟ البته رژیم به دهه های ارتجاعی خود از این "انقلاب" رسید، همین که سترگ دانشگاه را موقتاً تعطیل کرد و مواضعی در راه آگاهی توده ها بوجود آورد خودش خلع، نعمت است!

- ۱- ژ- ص ۱۰۰۰
- ۲- رفقای هوادار در زندان ۵۰۰۰ ریال
- ۳- رفیق ه را تشنه تا کسی با ۱۰۰۰۰ ریال
- ۴- رفیق معلم هوادار ۵۰۰۰ ریال
- ۵- رفیق دختر دانش آموز ۷۵۰۰ ریال
- ۶- رفیق کارگر نقاش هوادار ۱۰۰۰ ریال
- ۷- رفقای محلات تبریز ۳۲۵۰۰
- ۸- رفقای محلات تبریز ۳۰۰۰

- ۱- رفیق A ۲۲۰۰ ریال
- ۲- رفیق بیژن ۱۰۰۰۰ ریال
- ۳- ن. ل. ۵۰۰۰ ریال
- ۴- م. معلم ۶۰۰۰ ریال
- ۵- غ (کارگر) ۵۰۰۰ ریال
- ۶- رفیق معلم III ۱۰۰۰ ریال
- ۷- رفقای هسته دانش آموزی کمک مالیاتان رسید
- ۸- رفیق دانش آموز ۱۵۰۰

- ۱- ط - ط ۶۰۰۰
- ۲- کارگر هوادار در محمودآباد ۱۰۰۰۰ ریال
- ۳- رفیق دانش آموز (لنگرود) ۱۵۰۰
- ۴- ب ۲۱۴۰ (کوچمفهان) هدیه‌ها رسید
- ۵- رفقای هوادار (لاهیجان) ۶۰۰۰ ریال
- ۶- رفقای هوادار (سبا هکل) ۶۱۰۰۰ ریال

٢	٢٢٩٠٠	الف
٦٠٠٠	٢٩٠٠٠	٦٠٠
١٠٠٠٠	٢٢٩٩٠	٦٠٠
٢٢٠٠	٨٠٠٠	٣٠٠٠
٢٩٠٠	٨٢٠٠	٥٥٠٠
٦٢٢٠٠		٢٠٠٠
ع	ر	١
١٢٢٠٠	٢١٠٠	٢٠٠٠
ن	ق	ج
٢٢٠٠	٢٥٠٠	٢٣٠٠
١١٠٠٠	٢٢٩٩٠	٦٥٠٠
٦٧٠٠		ج
و	ك	ح
١٢٢٠٠	٢١٠٠٠	٢٥٠٠
هـ	ي	٢١٩٩٠
٩٢٠٠	٥٥٠٠	
	٢٥٠٠	
	٦١٢٠	

۵۱۰۰ ز - ک	۴۰۰۰ م -
۲۹۰۰ پ - ه	۹۰۰۰ ز - س

۱- م - ۵۰۰
۲- ا - ۳۰۰۰
۳- ا - ۴۱۰۰
۴- ن - ۲۰۰۰
۵- د - ۵۰۰۰
۶- م - ۱۶۰۰۰
۷- ی - ج - کا رگو ۱۵۰
۸- دبیرستان ث ۴۰۰
۹- دکه الف ۳۰۰۰
۱۰- رفقای هوا دار در خمین ۳۰۰۰ ریال
۱۱- رفقای هوا دار در رشتان ۶۰۰۰ ریال
۱۲- رفقای هوا دار در مشهد ۱۰۰۰۰ ریال
۱۳- دانش آموزان هوا دار نظر آباد ۲۱۵۰۰ ریال
۱۴- محلات شرقی برای کردستان ۳۰۰۰
۱۵- رفقای کا رگروش و بی سیم ۱۵۰۰
۱۶- حسن کا رگوشا ش میا رز ۵۰۰۰
۱۷- ر- ش کا رگرسیلو ۱۰۰۰ ریال
۱۸- دانش آموزان هوا دار در نوشهر ۵۰۰۰ ریال
۱۹- هسده دانش آموزی شرق ۱۷۰۰
۲۰- هسده دانش آموزی شرق ۷۰۰
۲۱- رفیق کا رگرومنی ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید
۲۲- د - م ۱۹ هدیه ات رسید
۲۳- مادر هدیه ات رسید
۲۴- خانواده بنفشه ۱ بهرام اچا ۳۰۰۰ ریال
۲۵- رفیق جواد (کا رگو هوا دار) کمک مالی ات رسید
۲۶- ۵۵۰۰ ریال (بدون کد)
۲۷- س- مادر ۲۰۰۰ ریال
۲۸- رفیق ۹/۵ ساله ما سعید ضمن ارسال ۶۴۰ ریال کمک
آمادی برای ما فرستاد است عین نامه سعید را میخوانید
۲۹- سعید الف ۹/۵ ساله ۳ ساله این پول را میدهم
۳۰- بهیکا رتا بیشتر بهیکا رجا ب کنند تا مردم بخوانند
بیشتر آگاه شوند و این پول را باروزانه و
خودم کرده ام

مردم	رشته	م
۴۱۱۰	ب	۳۱۲۰
۵۰۰۰	ب	۳۱۲۰
۲۱۱۰	ب	۷۰۰۰
۲۰۰۰	م	۶۲۲۰
۱۲۰۰۰	ف	۳۰۰۰
۶۱۱۰		

۱- رفقای هوا دار ۱۲۰۰۰۰ ریال
۲- رفقای هوا دار کمیک دارویی شما رسید

۱- رفیق شکارگر ۱۰۰۰ ریال
۲- رفیق دانش آموز ۲۵۰۰

شهرکرد
۱- رفیق مزدک ۵۰۰۰ ریال
۲- رفیق اسلحه‌ها ۲۰۰۰ ریال

کرج

۱- رفیق خواننده برای بهرمرگان سازمان ۲۹۰۰۰ ریال
۲- رفیق مادر برای بهرمرگان سازمان ۱۰۰۰۰ ریال



۱۳
روز
نبرد
آبان

خونین دانش آموزان انقلابی بامزدوران رژیم شاه کرامی باد

بوسیله ارتش پوسیده خود میخواست آنرا خاموش سازد. آری ۱۳ آبان نقطه عطفی در جنبش انقلابی دانش آموزان و صفحه افتخار آفرینی در تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ایران میباشد.

قیام شکوهمند توده های خلق با ازبین بردن بساط سلطنت فرباط سختی به پایگاه امپریالیسم وارد ساخت. بهر روی سیستم آسیب دیده مانا بود نشده سرما به داری وابسته رژیم سرکارت مذکبه به ترمیم سیستم سرما به داری وابسته گماشت و به این هدف نمیتوانست جامه عمل بپوشاند، مگر با فریب دادن و افزایش توهم توده ها و سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان، خلقها، دانشجو-یان و دانش آموزان انقلابی.

دانش آموزان انقلابی

اکنون مبارزات انقلابی شما با کلیه دستاوردها پیشامحولات دمدانشانه ارتجاع حاکم قرار گرفته است. علاوه بر فشار روحفان رژیم جمهوری اسلامی، موج تهاجمات سازشکارانه و رویزیونیستی و ضدانقلابی نیز مبارزات شما را مورد هدف قرار داده است. حفظ و تعمیق منتهای انقلابی جنبش دانش آموزی در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده خلق از جمله وظایفی است که در این مقطع بردش شما قرار دارد. ضمن مبارزه متشکل برای آزادی فعالیت سیاسی در مدارس با تمام اقوا از اخراج معلمان و دانش آموزان انقلابی جلوگیری نمایید. افشای هیئت حاکمه و نیروها و جریانات سازشکار و ضدانقلابی نظیر فداشان (اکثریت) حزب خاشن توده و سه جهانی ها از جمله وظایف شما در جهت دفاع از دستاوردهای مبارزات انقلابی تان میباشد. جنگ ایران و عراق، ضرورت شناساندن اهداف آنها از آزادی ما این جنگ و افشای سیاستها و عملکردهای سوسیال شوینستها و وظیفه انقلابی رفقای دانش آموزان را در اوچندان نموده است. رفقای هوادار وظیفه دارند با الهام از رهنمودهای سازمان، اهداف ضد خلقی دور رژیم ارتجاعی ایران و عراق را از این جنگ افشای نمایند. این امر به ویژه در مناطق جنگی و مناطقی که آواره شدگان از جنگ بدانجا کوچ کرده اند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در آستانه دومین سالگرد ۱۳ آبان، روز نبرد خونین دانش آموزان انقلابی با ارتش رژیم وابسته به امپریالیسم شاه هستیم. دوسال پیش جنبش دانش آموزان انقلابی بهمنابه بخشی از جنبش دمکراتیک-عدا امپریالیستی توده های خلق به اوج خود رسید و دانش آموزان انقلابی خبا با نه های تهران، به ویژه اطراف دانشگاه راز خون سرخ خویش گلگون ساختند، خونی که پیروزی خلقهای ستمدیده ایران بزمزدوران امپریالیسم آمریکا را نوید میداد.

به موازات رشد و گسترش جنبش دمکراتیک-فدا امپریالیستی توده های ستمدیده بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم، جنبش دانش آموزی نیز تحت تاثیر تشکلهای سیاسی-انقلابی جامعه و گراشات ایدئولوژیک-سیاسی و طبقه های آنها، بطور فعال و تاحدی متشکل در راهبرداختن رژیم وابسته شاه به حرکت درآمد. در روزهای قبل از قیام، دانش آموزان مبارز و انقلابی به همراه کارگران و زحمتکشان و دانشجویان انقلابی، شهرهای ایران را از غریب و فرباطهای انقلابی، آکنده ساخته بودند. رشد جنبش انقلابی توده های زحمتکش، هر چه بیشتر موجب رشد و تعمیق مبارزات دانش آموزان انقلابی گردید. تا این - که روز ۱۳ آبان ۵۷ فرا رسید. در این روز هزاران دانش آموزان در دانشگاههای انقلابی، به تظاهرات و شعارهای انقلابی خود، در حوالی دانشگاه تهران دستگاہ پوسیده رژیم شاه را به لرزه درآوردند. دهها تن از دانش آموزان و دانشجویان انقلابی در این تظاهرات وسیع توسط مزدوران شاه به خون خویش در غلطیدند. ۱۳ آبان ۵۷ روز تحقیر بساط سرکوبگر رژیم شاه توسط دانش آموزان انقلابی بود. رژیم شاه برای سرکوب جنبش انقلابی توده ها و جلوگیری از گسترش آن، در شهرهای مختلف از جمله در تهران حکومت نظامی برقرار کرده بود. دانش آموزان انقلابی بدون وحشت از کشتاری که رژیم از مردم قهرمان تهران و شهرهای دیگر برآه انداخته بود، در روز ۱۳ آبان با تظاهرات انقلابی و جانبازیهای قهرمانانه خود نشان دادند که هیچ نیروی رایبارای مانع از شعله ور شدن آتش خشم انقلابی توده ها نیست. آتش که رژیم شاه

پاسخ...

بقیه، ر.س.د ۱۸

اینجا درج می کنیم:
رفقا خسته نباشید!

من دریکی از کارخانه های جاده کرج کار میکنم که نزدیک به تهران می باشد و شما در جنوب غربی تهران میباشید. گلابهای از رفقا در زمینه فعالیتها ندارم. گلابها مدبرانه مسئله جنگ میباشد. هما نظور که میدانشیم از معدود گروه با سازمانهای که جنگ را تحریم کرده اند و امروز-بندی دقیق با دور زیم ضد خلقی کرده اند سازمان میباشد...

رفقا راه طولانی در پیش داریم، تنها بدینریم با بدتلاش کنیم، با یدافشا کنیم، با یدشعار بنویسیم، با یداعلامیه پخش کنیم و خلاصه اینکه با یدفعال باشیم، رفقای د-د (دانشجویان و دانش آموزان پیکار) با شما هستیم ما کارگران، کمکاری میشود، چندان فعال نیستیم چرا؟ چرا مواضع طبقه کارگر در مقابل جنگ در بین ما آورده نمیشود، رفقا ما منتظریم که شما با دستان پرباشید.

صبح که بسوی کارخانه سرازیر میشویم در کوچه و خیابان در پشت درختان انتظار اعلامیه -تان را میکشیم، ولی متاسفانه نیست و اگر هم هست، اندک است.

رفقای مبارز و روزمنده کمونیست هوادار سازمان!

با بدبینیم رفقا، با بددست در دست هم بدون تزلزل با روح جنگنده و فعال با کامهای سریع هر چه حق نیست نظراتمان را برافرازیم. ما و چراغ راهنمایمان با یدهمگامی هم، با برنامها، با تقسیم کار در محلات، به پخش اعلامیه به نوشتن شعار بر روی دیوارها، اتوبوس و... و خلاصه به افشای ماهیت جنگ بهر دایم، زیر سر سرمایه داران و هواداران آنها (اکثریت فداشان و...) در کارخانه ت دست در دست هم داده اند و در چا پید و گول زدن تمام زحمتکشان آنها با زورشان و اکثریت (فداشان) با عملشان ما را می چا پند. آری با یداین خاشن را افشا و طرد نمائیم. سرما به دارها، با سرما به شان، حزب توده و اکثریت (فداشان)، و دیگر خاشنین زیر چتر طبقه کارگر به گول زدن کارگران مشغولند و چه مافدا نه زحمتکشان به دما آنها می افتند. با یدکار کنیم و افشا. نمائیم، و این کم - کاری بخصوص از طرف "د-د" و سایر رفقا با ید جبران شود و تکرار آن قابل قبول نمی باشد و در خدمت سرما به داران و رژیم جمهوری اسلامی می باشد.

پس برویم و فعال و بهر شور با کامهای بلند بنام آرمان طبقه کارگر، برای زحمتکشان فعال شویم و ما هیت جنگ را افشا کنیم. سن. ل. رفیق کارگر! امیدواریم کلیه رفقا و هواداران ما به هر شور و آوازه و در جهت رفع ضعفها و سستی ها اقدام کنند. دست تو را به هر گسسی می فشاریم! پیروز باشی!

یاد "حیدرخان عمو اوغلی" ستاره سرخ جنبش کمونیستی ایران و اگر امانی بداریم!



تحکیم و حفظ وحدت صفوف خلق گام هر میداشت به تبعیت از تزلزلات طبقاتی خویش چنان سباحتی را دنبال کرد که سرانجام دستور بگلوله بستن محل کمیت انقلاب (ملاسرا) را داد که در جریان آن حیدرخان دستگیر و بعد از چند روز شکنجه‌ها در ت...

میرسد. با شهادت حیدرخان، گرچه ضربه سنگینی بر پیگرد جنبش انقلابی و کمونیستی ایران وارد می شد، اما ما درسی بس عظیم نیز بدست می دهیم که همانا ضرورت وجود ستاد وادار و دراز منته طبقه کارگر در راه مبارزات انقلابی خلق است تنها اینچنین رهبری است که می تواند بدور از هر گونه تنگ نظری و محدودنگری خرده بورژواشی انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران را به پیروزی برساند.

رفیق حیدرخان عمو اوغلی بدون شک یکی از بزرگترین چهره های انقلابی و کمونیست ایران و کشورهای تحت سلطه است. سرار عمر کوتاه و آکنده از رشادتها، فداکاریها و در واقع تجسم تاریخ انقلاب است. بدرستی که تنها ۷۰ ساله جنبش کمونیستی میهنمان ستاره های تابناکی چون حیدرخان را کمترین ترک خویش دیده است. رفیق، انترناسیونالیستی، پیگیر و پرشور بود که وفادار به آرمان سرخ پرولتاریا، شب و روز می جنگید و در عرصه های مختلف مبارزه چنان نبوغ و خلاقیتی از خود نشان داد که جنبش بین المللی کمونیستی، بزودی او را بعنوان فرزند راستین و سازشنا پذیر طبقه کارگر شناخت و سخنانش در زمینه بین المللی کارگران بطور گرا دیهترین گواهینامه است:

"رفقا! ما فرزندان خلقیم و برای احقاق حق خلق مبارزه میکنیم. سرمایه داران دشمن ما هستند. ما از هر گونه سازش با این ستمگران امتناع میورزیم. اینها غصب کننده جنبشهای بشری و بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران برای ما با مرگ و با پیروزی است از راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد داریم و اینها را می بینیم!"

یاد سرخ گرامی و آرامان کبیرش
روشن گرا همان بسا!

اتحاد و همکاری حزب کمونیست و دلاوران جنگل و تشکیل دولت انقلابی در گیلان موجب شعله ور شدن شعل انقلاب در ایران میگردد و منافع امپریالیسم انگلیس و مرتجعین داخلی را سخت بمخاطره میاندازد. اما ادمای سبتهای نا درست جناح "چپ" (مانند جمله "احسان الله" - خان "بتهران که بدون تصمیم "کمیت انقلاب" انجام گرفته بود) از یکطرف و تزلزلات میرزا - کوچک خان که دمکراتی مذهبی با پایگاه طبقاتی خرده بورژوازی بود، از طرف دیگر، موجب برهم خوردن اتحاد دولت انقلابی و نهایتا شکست جنبش گردید. کوچک خان که رشد جنبش کمونیستی او را بوخت انداخته بود، بجای استقبال از نقش اصلی حیدرخان که در جه...

هضم آنها با سرور دستگیری و (بغافل چند روز) شهادت انقلابی کبیر و کمونیست برجسته، رفیق "حیدرخان عمو اوغلی" است. رفیق حیدرخان مغز متفکری در انقلاب مشروطیت و جنبش گیلان، یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایران، انترناسیونالیستی پیگیر و روز مندهای پرشور بود. حیدرخان در سال ۱۲۵۹ در ارومیه بدینجا آمد و در کودکی به همراه خانواده اش جزو مهاجرینی بود که به روسیه رفتند. او از دانشگاه تفلیس مهندسی برق خود را گرفت و در همینجا بود که تحت تاثیر چرخش معنای انقلابی روسیه، بامارکسیسم و جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه آشنا شد. پیداکرد و سپس به ایران آمده و به فعالیت انقلابی و ترویج ایده های مشروطه خواهی میپرداخت. در جریان انقلاب مشروطیت نقش پر تحرک و خلاق حیدرخان، چشمگیر و همواره موجب دلگرمی انقلابیون بود. بطوریکه میگویند: "ستارخان" انقلابی و دمکرات بزرگ، و از زبان و فکر خویش میدانست. در ایران حیدرخان به تشکیل اولین هسته های سوسیال دمکرات (اجتماعیون - غامیون) میپرداخت و دسته های مسلحی از انقلابیون (بنیاد جمعیت های مجاهدین) برای دفاع از انقلاب تشکیل میداد که به عملیات متعدد و مشهورانه ای دست میزدند. (از جمله انفجار بمب در خانه وزیر مخصوص محمد علی میرزا، قتل اتابک اعظم). همراه با رشاد انقلاب جمعیت های مجاهدین سرعت در اکثر شهرهای ایران ایجاد میگردد. اما بعزت پراکندگی و ضعف سوسیال دمکراتها، رهبری اغلب این جمعیتها بدست عناصر زار زکا رولبرال می افتد که نتیجتا نمیتوانند در مقابل آنها مبارزه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مقاومت کنند. تنها جمعیت مجاهدین تبریز تحت رهبری حیدرخان و انقلابیونی چون "علی مسیو"، مقاومت قهرمانانه ای را بر علیه امپریالیسم روس (تزاری) و نیروهای مرتجع داخلی، بنیادین میگذارند.

با شلیک توپهای انقلاب کبیرا کتبیر، پیروزی طبقه کارگر در روسیه و برقراری حکومت سوسیالیستی شوراهای روحی تازه در کارکلبند جنبش سوسیال دمکراتیک ایران دمیده شد که نتیجتا شاخه حزب کمونیست ایران در سال ۱۲۹۹ بود.

نقش رفیق حیدرخان چه در تشکیل کنکره اول حزب در سال ۱۲۹۹ و برخورد با نظرات چپ - روانه و طروحه در آن از سوی رفیق سلطانه و چه در تشکیل کنفرانس با کودرال ۱۳۰۰ که در آن حیدرخان را به دبیر اولی حزب برگزیدند و بویژه نقش او در تصویب برنامه حزب توسط کمیته مرکزی ای که وی در آن قرار داشت و تمصیح تحلیل چپ روانه حزب ازجا میبرد که به اتحاد کمونیست با نیروهای دمکرات و جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان لطمه وارد میآورد، نقشی است تاریخی که جنبش انقلابی و کمونیستی ایران با ید همواره آن با افتخار و تجلیل یاد...

را مورد حمله قرار داده و با آمریکا بی خوانند آنها ما هیت کشیف خود را بیشتر نمایان می سازد و به این ترتیب نشان میدهد که هر چه بیشتر نمایان می سازد بهما را ن سقرت ما مشهور مردم با قلبی آکنده از خشم نسبت به سرکوبگران راهی خانه های ویران شده از خمپاره های آمریکا می خود شدند. آنچه مسلم است اینست که رژیم گرچه با اینکار میخواهد نشان دهد که تاجرب خد انقلابی میهنیستهارا خوب یاد گرفته است ولی اینها هیچکدام برای رژیم کار ساز نخواهد بود و به خود خدش بدل خواهد شد و توده های خلق کرد و روز بروز ما هیت پلیس رژیم را بازمی شناسند و به مبارزه قاطعیت با آن بر می خیزند.

بقیه از صفحه ۲۱ جشن...
عده ای از مردم که از شهر خارج شده بودند شب را در مساجد و تالارها و در ویرانه ها می خوابیدند. وعده ای دیگر از مردم را بطرف پادگان بردند که بیرون کردن مردم با زور از شهر تا ساعت ۵/۵ ادامه داشت در این ساعت در پادگان سقز جایش خود فروخته و فرماندار سقز مسعود طلوعی برای مردم سخنرانی میکنند و در کمال بیشرمی به سباق تمام می گویند که اینها که چیزی نیست این فقط دهن شیرینی بوده منتظر عروسی اش هم باشد و طبق معمول گریزی نیز به صحرای کربلا میزنند و نیروهای انقلابی و مبارز...

چه تفاوتی است میان استالینگراد و خرمشهر

■ - در همان هفته اول جنگ ایران و عراق، ۹۰۰ مردم خرمشهر، شهر را ترک کردند.
■ - صدها هزار تن کالا به ارزش میلیاردها تومان در خرمشهر دست غارتگران بعث عراق افتاد.
■ - یکماه از جنگ نگذشته است که گفته میشود، عراق خرمشهر را تسخیر کرده است.
■ - اکثر مردم آبادان، سوسنگرد، بستان، قصر - شرین، و بسیاری از مردم دزفول و اهواز منطقه را ترک کرده اند.
■ - آیت الله خمینی، بنی صدر، رجایی، خامنه‌ای، بهیسی، منتظری، هاشمی رفسنجانی و همه رهبران جمهوری اسلامی از مردم خورسان خواسته بودند، شهرهای خود را تخلیه نکنند، رژیم - نوده‌های ستم‌دهی که منطقه‌های جنگ زده را ترک میکرد و همین میمورد آنها را مورد آزار قرار میداد. اما نوده‌ها با ترک این مناطق و عدم شرکت در این جنگ، نفرت ویزاریان را از این جنگ نشان دادند.

و اما استالینگراد

بزرگترین ماشین جنگی بشر تا آن زمان، یعنی ارتش فاشیست نازی به استالینگراد حمله ورند.

هزاران سرباز نازی و صدها تانک استالین - گراد قهرمانانه در محاصره خود در آورد، ارتش عراق در مقابل ارتش عظیم هیتلری، چون بشه در مقابل قیل است. اما استالینگراد خرمشهر

بود!

رهبر کبیر خمینگان، استالین در ۵ اکتبر ۱۹۴۲ به فرمانده جبهه استالینگراد فرمان داد: "اگر شما میخواهم که کلیه اقدامات لازم را برای دفاع از استالینگراد بعمل آورید. استالینگراد تنها بدیه دشمن تسلیم شود" (۱)
استالینگراد نه تنها تسلیم نشد، بلکه کمر دشمن را شکست.

استالینگراد اما هم در محاصره بسربرد. تشنگی، گرسنگی، سرما، کمبود دارو و مهمات نتوانست محاصره این شهر قهرمان را بشکند. شهر مرتب زیر آتش توپخانه قرار داشت. اما مردم دل‌آورد استالینگراد شهر را بهای خود را ترک نکردند. (۲) چرا؟ چه تفاوتی میان استالینگراد و خرمشهر وجود داشته است؟

بقیه در صفحه ۲۰

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

سازمان "دول" محدود و محال کارر و سرزینگی کدر در هفته سست تفسیر کردیم، بحوسی این کوشش دوطرفه برای برپایی راستان میدهد.

از طرف دیگر بنظر میرسد، لیسرا لیا و حجاج سورژواشی حزب جمهوری کاررترا برریکسان ترجمه نمودند. و شیر غم تبلیغاتشان که هر دو را نمایندگان امیرالیم میباشند، کوشش برای آزادی کروکا آنها در این مقطع که سود کارترتضا میشود، دستشان را رومکنند.

کوشش برای آزادی کروکا آنها بخاطر گرفتن سلاحهای نظامی از امیرالیم و نیز تقویت کارتر در انتخابات ماهیت "مبارزه - ضد - امیرالیم" است. رژیم را هر چه عربا نترشان میدهد رژیم که در اوج شلیکاتش برای قریب نوده‌ها، آزادی کروکا آنها را کفر میداند است، اینک بی

برده‌قول آزادی کروکا آنها را میدهد لیسرا لیا که همیشه خواهان "روابط بسیار حسنه" - امیرالیم بوده‌اند، از قول نویسنده کیپان در خاندنیه ساست شنه سوم آن میگویند "حیل

مسئله کروکا آنها قیل از انتخابات بودا ایران است، چرا که میتوان از آمریکا امتنا گرفت!" (منظور از امتنا زقول فروش سلاحهای امیرالیم است از آمریکا است!) لیسرا لیا با وفاق تمام

میگویند، "مهیونستنها خواهان عدم آزادی کروکا آنها هستند"، اما علاوه بر لیسرا لیا، حجاج سورژواشی حزب جمهوری اسلامی نیز خواهان آزادی کروکا آنها است، گذشته از سخنان رجایی

که قول آزادی کروکا آنها را داده بود، رفسنجانی نیز پس از طلاق با "اما" - تلویحا قول آزادی کروکا آنها را داد: وی در بیان در مورد آزادی

۵۲ جاسوس آمریکا که خبرگزاری هابلسن روزها مطرح میکنند، گفت: "این مسئله مربوط به خود آمریکا است، اگر آمریکا حقوق حقه را رعایت کند و به خواسته‌های قانونی ما احترام

بگذارد ممکن است کروکا آنها آزاد شوند و در غیر این صورت کروکا آنها به همین صورت خواهند ماند" (جمهوری اسلامی، ۵ آبان). اما هر چند، دو

جناح سورژواشی (لیسرا لیا و رهبری حزب جمهوری) موافق آزادی کروکا آنها هستند اما جناح خود - سورژواشی حزب بنظر میرسد، موافق آزادی کروکا آنها نیست.

بنوعان مثال اظهارات خوشی‌ها - با

بقیه در صفحه ۸

سالروز گرفتن سفارت: آزادی کروگانها؟!

۱۳ آبان سالروز گرفتن جاسوسها - آمریکا سب و با مصداق با آزادی این جاسوسها سر با اندامادر گذشته در مورد اهدافی که حجاج خرده سورژواشی مرفه سستی از ا - کروکا گیری داشته (منحرف کردن مبارزه، لغاتی بوده‌ها، باورندن بر توهم نوده‌ها برای استعمار رجمکسان و آماجگی بیشتر برای سرکوب آنها و انقلابیون، مبارزه‌ها امیرالیم را سبها در حد شعار و سام‌قول دانستن و بدین ترتیب حفظ سرمایه‌داری و استهلاک زدن مبارزه رجمکسان و سرفردت یافتن بیشتر در حکومت و ضعف حجاج رتیب و... سخن گفته‌ایم، اینک سکوسمان دهم که چگونه هشت خاکمه در ارباط با مسئله جنگ ایران و عراق و سر - اسبابا بر ساست جمهوری آمریکا در صدد آزادی کروکا آنها است، با وجود خود را با امیرالیم آمریکا انرا بر داده و با وجود در آمریکا بر مسئله کروکا آنها سود آمریکا حل نمایی. طبعی است غلبه و جدت امیرالیم آمریکا و همدخا حیا، رژیم در مقابل انقلاب، تضاد - هانی سرمان هشت خاکمه ایران و آمریکا وجود دارد، بخصوص نهاد امیرالیم آمریکا و حجاج خرده سورژواشی مرفه و سورژواشی سستی بر سر حکومتی با زبانی سیستم سرمایه‌داری وابسته واضح بوده است، اما طبیعی است وحدت امیرالیم و رژیم ایران وجهه ملی مناسبات آنها تشکیل میداده است.

جنگ ایران و عراق بنوع خود حجاج ارتش و لیسرا لیا را تقویت کرد، لیسرا لیا که بر اثر نخست‌وزیری رجایی، قدرت اصلی را در حکومت به جناح سورژواشی حزب جمهوری اسلامی سپرده بودند، کوشیدند تا از جنگ برای قدرت گیری بیشتر خود استفاده کنند، علاوه بر آن نیز رژیم به سلاحها و وسائل بیکی نظامی و همینطور نیاز به مراد و ات گسترده اقتصادی عامل بسیار مهمی بود که جمهوری اسلامی را بسوی عسادی کردن روابط با امیرالیم میکشاند. در حقیقت جنگ در این میان بعنوان عاملی نه در جهت سرکوشی رژیم ایران توسط امیرالیم و بقول روبریونستنها و کمونیستهای ناپیکر - چون راهکار روبریونندگان برای حادث کردن "دشمنی امیرالیم و رژیم" بلکه در جهت دوستی و نزدیکی این دو عمل میکند، سخنان رجایی در

مبارزه با امیرالیم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست